

اعلامیه شماره ۳ کمیته مرکزی حزب توده ایران

دیکتاتور فرمان سرکوب خونین دانشجویان و دیگر آزادی خواهان را صادر کرد

● بر اساس گزارش هایی که به ما رسیده است کارزار سرکوب رژیم تازه در مراحل ابتدایی آن است و برنامه گسترده یی برای دستگیری و پیگرد فعالان جنبش دانشجویی، دگراندیشان، نویسندگان، روزنامه نگاران، فعالان سیاسی، زندانیان سیاسی آزاد شده و هرکس که «خطری» برای ادامه رژیم «ولایت فقیه» محسوب شود تدارک دیده شده است.

● حزب توده ایران ضمن محکوم کردن یورش وحشیانه مزدوران استبداد و ارتجاع، خواهان آزادی بدون قید و شرط صدها زندانی سیاسی، رهبران، کادرها و فعالان دانشجویی و همچنین اعضای رهبری حزب ملت ایران است.

● حمله به مردم عادی، مکان های عمومی و دامن زدن به جو بی امنیتی و ارباب در روز سه شنبه ۲۱ تیرماه نقشه شوم نیروهای امنیتی و ارتجاع حاکم برای زمینیه سازی سرکوب خونینی بود که سید علی خامنه ای فرمان آن را قبلاً نوشته بود

● مردم به حق می پرسند که سکوت و حمایت ضمنی دولت خاتمی از عریضه های «منکوب» و «مرعوب» کنید و «نکه نکه کردن» مخالفان، چه معنایی جز هم صدایی و همگام شدن با سرکوب وحشیانه جنبش دانشجویی و آزادی خواهان می تواند داشته باشد.

● «مقابله با اراذل و اوباش و ضد انقلاب» اسم رزم عملیات ارگان های سرکوب برای دستگیری، محاکمه نظامی و کشتار آزادی خواهان است.

ادامه در صفحه ۶

نامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۶۲، دوره هشتم
سال شانزدهم، ۲۹ تیر ۱۳۷۸

پایه پای دانشجویان در سنگرهای پیکار مبارزه ادامه دارد



و آغاز پیکار

پنج شنبه ۱۷ تیرماه (ساعت ۱۰ شب) تظاهرات مسالمت آمیز و آرام دانشجویان، در خوابگاه کوی دانشگاه تهران، در خیابان کارگر شمالی، و سپس خیابان آل احمد، و برای اعتراض به لایحه «اصلاح قانون مطبوعات» و توقیف روزنامه «سلام» و سپس هجوم

ادامه در صفحه ۴ و ۵

اعلامیه شماره ۲ کمیته مرکزی حزب توده ایران

پایه های استبداد می لرزد

در صفحه ۳

دانشجویان سرودخون و آزادی سردادند
فاجعه کوی دانشگاه شکل ملی به خودمی گیرد!
سرکوبگران و مزدوران رژیم «ولایت فقیه» دانشجویان مبارز ایران را به خاک و خون کشیدند!

سرگذشت دل من
زندگی نامه انسانست
که لبش دوخته اند
زنده اش سوخته اند
و به دارش زده اند
آه ای بابک خرم دین
تو لومومبا را می دیدی
و لومومبا می دید
مرگ خونین مرا در بولیوی
راز سرسبزی حلاج این است
ریشه در خون شستن
باز از خون رستن
«ه.الف سایه»

شش روز حماسه و خون، شش روز سرودآزادی، شش روز فریاد رهایی از دهان هزاران دانشجوی قهرمان دختر و پسر میهن مان، که به تنهایی با «دیو» استبداد و جرثومه های فساد جنگیدند، بی آنکه جزگروهی از قربانیان قهر و خفقان، جان به لب رسیده، فریادرسی داشته باشند، آنها چون «سیاوش» هایی تنهادر میدان نبرد قهرمانانه، از آزادی و عدالت اجتماعی دفاع کردند و برخاک و خون غلتیدند، درحالی که فریاد می کردند: حمایت! حمایت! شش روز سرود عشق در تقابل با گلوله و سرنیزه: طرح تابستانی کشتار و سرکوب خونین مزدوران «ولایت فقیه» آغاز شده است.

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

رویدادهای ایران

ده سال از ترور دکتر قاسملو و همراهانش گذشت

ده سال از ترور جنایت کارانه دکتر قاسملو، دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران، و همراهانش در وین، گذشت. مزدوران پلیسی که ده سال پیش به این جنایت هولناک دست یازیدند، از همان قماش بودند که سال گذشته، پروانه و داریوش فروهر، مختاری، بوینده و شریف را به قتل رساندند تا به زعم آمران خود شعله آزادی خواهی را در ایران خاموش سازند. غافل از آنکه کوره مبارزه خلق کرد و دیگر آزادی خواهان سراسر ایران، با هیمة تلاش و مبارزه انسانی گرم تر و فروزان تر می گردد.

بدین مناسبت، و به جهت گرمی داشت یاد دکتر قاسملو و یارانش، به دعوت حزب دموکرات کردستان ایران، در روز سوم ژوئیه، مراسم بزرگ داشتی در وین برگزار شد که در آن عبدالله حس زاده، دبیر کل حزب، و هلن قاسملو، همسر شهید دکتر قاسملو، به سخنرانی پرداختند. رفیق حسن زاده در این سخنرانی، در بررسی تحولات ایران، از جمله گفت: «حتی همین تغییرات و گشایش های جزئی نیز که در اثر انتخاب محمد خاتمی به ریاست جمهوری در سیاست های دولت پدید آمده است، به کردستان ایران نتوانسته است راه پیدا کند.»

از دیگر سخنرانان این مراسم، دکتر فیشر، رئیس پارلمان اتریش، و دکتر پیلتر، از نمایندگان برجسته سبزه های اتریش، بودند. دکتر پیلتر ضمن حملات شدیدی به رئیس جمهور کنونی اتریش که ده سال پیش به هنگام ترور دکتر قاسملو، کارمند وزارت خارجه بوده است، گفت: «قاتلان که به دام افتاده بودند، با اسکورت پلیس اتریش به فرودگاه برده شدند تا به ایران باز گردند.»

از سوی واحد حزب توده ایران در اتریش، به مناسبت یادبود دکتر قاسملو و یارانش، پیامی به مسئولان و اعضای حزب دموکرات کردستان ایران در اتریش، فرستاده شد.

فعالیت های گسترده همبستگی با

جنبش دانشجویی ایران

در پی فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران به سازمان ها و نیروهای مترقی جهان در اعتراض به یورش وحشیانه رژیم به جنبش آزادی خواهی کشور، نیروها، سازمان های و نهادهای بین المللی با انتشار بیانیه و یا نامه اعتراض شدید خود را به دولت جمهوری اسلامی ایران اعلام کردند. از جمله فدراسیون جهانی جوانان دموکرات (WFYD) فراخوانی در همبستگی با دانشجویان و مردم ایران انتشار داد. فدراسیون جهانی جوانان بزرگ ترین تشکل جهانی جوانان و دانشجویان است که ۱۵۶ سازمان از ۱۰۲ کشور جهان در آن عضویت دارند. فدراسیون جهانی جوانان دموکرات به عنوان یک سازمان غیر دولتی (NGO) عضو دائمی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو است. فدراسیون جهانی جوانان در سال ۱۹۸۷، برنده جایزه «پیامبر صلح» سازمان ملل متحد شد. گزارشی مفصل این اقدامات و حرکت های اعتراضی در شماره آینده «نامه مردم» درج خواهد شد.

فراخوان برای اعتراض سراسری

هم میهنان گرمی،

در پی یورش وسیع رژیم استبدادی و ضد مردمی «ولایت فقیه» بر ضد جنبش دانشجویی و آزادی خواهان ایران سازمان ها، احزاب و نهادهای سیاسی، دموکراتیک و فرهنگی میهن ما، در خارج از کشور، کارزار گسترده ای را برای اعتراض بر ضد سیاست های سرکوبگرانه رژیم و حمایت و ابراز همبستگی با مبارزات جنبش دانشجویی و مردمی میهن سازمان دهی کردند. کانون نویسندگان ایران (در تبعید) با انتشار فراخوانی ضمن انتشار لیستی از زمان و مکان حرکت های اعتراضی در کشورهای مختلف، حمایت خود را از «اقدامات کلیه افراد و تشکل های ایرانی و غیر ایرانی در همه جهان» اعلام کرد و از همه هم میهنان خواست که «به دور از هر شائبه ای با شرکت گسترده در این آکسیون ها، همبستگی خود را با جنبش دانشجویی، نویسندگان و اندیشه ورزان و مردم به جان آمده ی ایران به نمایش بگذارند.»

کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز در بیانیه ای که روز ۲۴ تیر ماه ۱۳۷۸ انتشار یافت همه نیروهای مترقی و آزادی خواه میهن را به مبارزه مشترک با این موج سرکوب فراخواند. در این بیانیه از جمله ذکر شده بود: «حزب توده ایران، ضمن محکوم کردن یورش وحشیانه مزدوران استبداد و ارتجاع، خواهان آزادی بدون قید و شرط صدها زندانی سیاسی، رهبران، کادرها و فعالان جنبش دانشجویی و همچنین اعضای رهبری حزب ملت ایران است. حزب توده ایران، از همه نیروهای آزادی خواه و انسان دوست در سراسر جهان می خواهد تا صدای اعتراض یکپارچه خود را بر ضد موج سرکوب آزادی خواهان در ایران بلند کنند. نباید اجازه داد تا ارتجاع و استبداد قرون وسطایی حاکم بار دیگر گروه کثیری از آزادی خواهان میهن ما را کشتار کند.»

ما ضمن اعلام حمایت از حرکت های اعتراضی گوناگونی که در کشورهای مختلف سازمان یافته است و ضمن استقبال از فراخوان کانون نویسندگان ایران (در تبعید) همگام با همه نیروهای مترقی، آزادی خواه و انسان دوست میهن در این حرکت های اعتراضی شرکت خواهیم کرد.

روابط عمومی کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۵ تیر ماه ۱۳۷۸

هشدار حزب ملت ایران

در اطلاعیه ای که روز دوشنبه ۲۸ تیرماه از سوی دفتر اروپایی حزب ملت ایران انتشار یافت از جمله آمده است: «سردمداران نظام ولایت فقیه برنامه ای در دست اجرا دارند تا ده ها تن از بازداشت شدگان در رابطه با جنبش دانشجویان را به جوخه اعدام بفرستند. در همین رابطه صدها تن را زیر شکنجه های قرون وسطایی قرار داده اند تا آنها را وادار به اقراری نمایند که وزارت اطلاعات رژیم دیکته می کند. برای نجات جان این پیشتازان راه آزادی باید به پا خواست و همه مجامع بین المللی و سازمان های هوادار حقوق بشر را از آنچه در ایران امروز می گذرد آگاه سازیم. اگر در این امر تأخیر نمائیم بدون تردید فاجعه کشتار زندانیان بی گناه در سال ۱۳۶۷ یکبار دیگر تکرار خواهد شد.»

ادامه امپریالیسم...

خشمگین را به عوض درگیری به مسالمت جویی وا می داشت. دکتر باسون، با پنهان شدن در پشت عذر «حفظ منافع ملی» شهادت خود در کمیسیون حقیقت را، بعد از اینکه دوره اصلی کار آن تمام شده بود، مطرح کرد، و بنابراین طبیعی به نظر می رسید که اعضای کمیسیون سئوالات زیادی در رابطه با ابعاد برنامه تحقیقات ژنتیکی - تسلیحاتی آفریقای جنوبی مطرح نساوند. از آنچه که فاش شد مشخص می شود که، قسمت اعظم تلاش های آنها در توسعه سلاح هایی برای ترور شخصیت ها، در قالب سمی که ظاهراً یک حمله قلبی را نشان می دهد، متمرکز بوده است. تنها مورد استفاده از ماده شیمیایی و بیولوژیکی به عنوان یک سلاح جنگی، مرگ اسرارآمیز یک گروه از سربازان موزامبیک در مرز آفریقای جنوبی بود. هیئت اعزامی تحقیقاتی سازمان ملل هیچ گاه موفق نشد آنچه باعث کشته شدن آنها شد، کشف کند.

اما شواهد جمع آوری شده به وسیله کمیسیون حقیقت، روشن می سازد که دکتر باسون، به عنوان یک چهره مهم، مورد توجه دولت های متعدد خارجی بوده است. او و هم دستاوردش برای تبادل اطلاعات مربوط به برنامه های سلاح های بیولوژیکی و شیمیایی ایالات متحده، تایوان، اسرائیل و آلمان، مسافرت های متعددی به این کشور هاداشته اند. آنها همچنین ملاقات های مهمی با محافل با نفوذ در بلژیک و کورواوسی داشته اند. تشخیص عنصر برتری طلبانه و بعضاً نژاد پرستانه را در ماهیت سیاست های حاکم بر تمامی این کشورها مشکل نیست. جالب اینکه آنچه سازمان های امنیتی انگلیس و آمریکا را در رابطه با دکتر باسون و همکارانش، در سال های اخیر، نگران کرده است ماهیت جنایتکارانه تحقیقات آنان نبوده بلکه، این بوده است که با روی کار آمدن حکومت ترقی خواهان دموکرات، در سال ۱۹۹۴، اسناد و جزئیات این تحقیقات به دست کنگره ملی آفریقا بیفتد.

اعلامیه شماره ۲ کمیته مرکزی حزب توده ایران

پایه های استبداد می لرزد

استراتژیکی همچون سرکوب خونین دانشجویان بدون اجازه دفتر او امکان پذیر نیست. خامنه ای امروز در ایران ولی استبداد، و آخرین سنگر مطمئن ارتجاع و واپس گرایی برای حفظ رژیم استبدادی حاکم است. هراس سران رژیم نیز از همین است که دانشجویان با درک روشن این موضوع، خواهان برکناری او و طرد رژیم «ولایت فقیه» شده اند.

هم میهنان غیور و مبارز!

امروز دفاع از جنبش دانشجویی میهن، یک وظیفه انسانی، ملی و انقلابی است. پیروزی نبرد دانشجویان راه گشای آینده بی است که میهن ما در آن از بند های ظلم و استبداد قرون وسطایی حاکم رها شود. عدم حمایت وسیع از این جنبش این خطر را در بر دارد که ارتجاع با تکیه بر امکانات اهریمنی خود این جنبش را سرکوب کرده و بار دیگر سکوت قبرستانی را بر میهن ما حاکم کنند. حزب توده ایران از خواست های برحق دانشجویان پیرامون آزادی برای کلیه زندانیان سیاسی ایران، آزادی اندیشه و مطبوعات، محاکمه علنی عاملان و آمران جنایت اخیر و قتل دگراندیشان، رفع حصر از روحانیون دگر اندیش، همچون آیت الله منتظری و پاسخگویی قوه قضائیه و مسئول آن محمد یزدی، حمایت می کند و اعتقاد عمیق دارد که این خواست ها خواست اکثریت قاطع مردم محروم و زجر کشیده میهن ماست.

هم میهنان مبارز، دانشجویان دلاور و پیکارگر

میهن ما لحظات حساس و سرنوشت سازی را از سر می گذراند. آتش مبارزه بی که شما افروخته اید، می تواند در صورت پیکار سازمان یافته، منسجم و متحد توده ها، به آن جنبش عظیم اجتماعی بدل شود که بساط استبداد در میهن ما را درهم بپیچد. ارتجاع بی شک مترصد است که با انواع و اقسام حيله ها، از جمله تهدید، تطمیع، امتیاز دادن و عقب نشینی، و در آخرین تحلیل و در صورتی که جنبش توده ای نشود، سرکوب خونین، شرایط ادامه حیات خود را فراهم آورد. باید با هوشیاری، حفظ اتحاد و انسجام و پرهیز از چنددستگی امر مبارزه برای آزادی را تا تحقق آن به پیش برد. گسترش هرچه فراگیر تر توده ای تظاهرات و اعتراض های ضد استبدادی و تلاش برای سازمان دهی جلب حمایت مردمی از این حرکت، یگانه راه مطمئن بیمه کردن این جنبش است. جنبش دانشجویی تنها با پیوستن وسیع توده های کار و زحمت به آن است که می تواند به نیروی شکست ناپذیری تبدیل شود و سرانجام استبداد حاکم را در مقابل خواست های خود به زانو در آورد. حزب توده ایران با تمام وجود از این جنبش ضد استبدادی حمایت می کند و از همه نیروهای مترقی، ملی و آزادی خواه میهن می خواهد تا دست در دست هم، مبارزه برای استقرار آزادی را به پیش ببرند. تظاهرات، تحصن، اجتماعات برای پشتیبانی از خواست های دانشجویان از جمله اشکال گوناگون مبارزه است که می توان و باید به کار گرفت.

درد آتشین به دانشجویان مبارز دانشگاه تهران و سایر دانشگاه های

کشور!

تنگ و نفرت بر ارتجاع حاکم و مزدوران و پاسداران تاریک اندیشی و

استبداد!

پیروز باد مبارزه خلق برای آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم

«ولایت فقیه»!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۱ تیرماه ۱۳۷۸

● رسیدگی به جنایات اخیر دانشگاه تهران و پرونده های قتل و ترور دگراندیشان جز با رسیدگی به عملکرد نهاد «ولایت فقیه» و شخص «ولی فقیه» به عنوان فرمانده کل نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی ممکن نیست؛

● همبستگی مردمی با جنبش دانشجویی يك وظیفه درنگ ناپذیر و انقلابی است؛

● خواست دانشجویان از جمله آزادی همه زندانیان سیاسی، آزادی مطبوعات، و رسیدگی به جنایات اخیر، خواست همه نیروهای ملی و مترقی میهن ماست.

هم میهنان مبارز!

دانشجویان دلاور و پیکارگر میهن ما، پنج روز است که در سنگر های دفاع از آزادی و احقاق حقوق پایمال شده میلیون ها ایرانی می رزمند و با وجود یورش های مداوم و متعدد گزندگان و پاسداران ارتجاع و استبداد، و تلفات انسانی، در این نبرد نابرابر، همچنان به مبارزه غرور آفرین خود ادامه می دهند.

خروش هزاران دانشجوی مبارز در تهران، تبریز، مشهد، شیراز، اصفهان، کرمان، یزد، کرمانشاه، همدان، سیستان و بلوچستان، قزوین، یاسوج و دیگر شهرهای ایران، پایه های استبداد حاکم را به شدت به لرزه در آورده است، و ارتجاع هراسناک از عاقبت کار، ضمن ادامه تهدیدها و تهمت زدن به جنبش دانشجویی، و از جمله متهم کردن آنان به «عامل» خارجی بودن، تلاش می کند تا شعله های خشم دانشجویان را خاموش کرده و از گسترش و تبدیل شدن حرکات اعتراضی آنان به جنبشی سراسری و توده ای جلوگیری کند. یورش مزدوران رژیم در روز دوشنبه به دانشجویان، در میدان ولی عصر تهران و در تبریز، که شماری کشته و زخمی برجای گذاشت، بار دیگر نشان می دهد که با وجود قول های داده شده، نیروهای انتظامی رژیم مسئولیتی جز سرکوب آزادی خواهی ندارند و تنها وظیفه شان نه حفظ «امنیت ملی» آن طور که خامنه ای، ولی استبداد، مدعی آن است، بلکه حفظ رژیم فاسد و ضد مردمی «ولایت فقیه» است.

دانشجویان بدرستی در شعارهای خود بر این حقیقت انگشت گذاشته اند که: «انصار جنایت می کند، رهبر حمایت می کند». سخنان امروز خامنه ای نیز، بجز چند شعار توخالی و عوام فریبانه در نگوشت یورش به دانشجویان، و در بخش عمده آن حمله به جنبش دانشجویی و دانشجویان مبارز و دفاع از نیروهای انتظامی چیز دیگری نبود. مردم ایران و خصوصاً دانشجویان ما فراموشی نکرده اند که خامنه ای در گذشته بی نه چندان دور جنبش روشنفکری و طبیعتاً جنبش دانشجویی ایران را جنبشی «بیمار» لقب داد و شخص او بود که زیر شعار «مبارزه با تهاجم فرهنگی» نیروهای مزدور و چماق دار را به یورش به جنبش دانشجویی کشور تشویق کرد. حزب توده ایران در ده سال گذشته مرتباً بر این نکته تأکید کرده است که رژیم «ولایت فقیه» عامل همه بدبختی ها در میهن ماست. «ولایت فقیه» یعنی حکومت استبدادی مطلق یک فرد بر تمام شئون و حیات جامعه. ما باز هم بر این نکته تأکید می کنیم که با ادامه رژیم «ولایت فقیه»، یعنی رژیم استبدادی، نمی توان به استقرار آزادی و عدالت اجتماعی در ایران خوشبین بود. نهاد «ولایت فقیه» امروز در ایران، سد اساسی هرگونه تحول بنیادین، دموکراتیک و پایدار است. امروز اگر کسی در ایران باید پاسخگویی اعمال و جنایات نیروهای انتظامی و مزدوران «انصار حزب الله» باشد، این رژیم «ولایت فقیه»، و سران آن یعنی خامنه ای ها، رفسنجانی ها، یزدی ها و جنتی ها هستند که مرکز اعمال قدرت کلان سرمایه داری تجاری و انگلی ایران و واپس گرا ترین و ارتجاعی ترین نظرات در قشر روحانیت اند، و خصوصاً، شخص «ولی فقیه» به عنوان فرمانده کل قوا است، که تمام عملکرد نیروهای انتظامی، خصوصاً حرکات حساس و

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامهٔ پا به پای دانشجویان در سنگرهای پیکار ...

ددمتشانۀ انصارحزب الله که پشت گارد ضدشورش نیروهای انتظامی پنهان شده بودند.

جنایت هولناک

جمعه ۱۸ تیرماه (سپیده دم) دانشجویان به کوی دانشگاه بازگشته اند. تعدادی به خوابگاه رفتند و تعدادی در مقابل کوی دانشگاه تجمع کرده اند. عده یی با لباس شخصی به دانشجویان حمله می کنند. تعداد دانشجویان فزونی می گیرد، مبارزه تا ساعت چهار و سی دقیقه بامداد ادامه می یابد. در این هنگام نیروهای فاشیستی، انتظامی و انصارحزب الله، که زیر نظر مستقیم «ولایت فقیه» عمل می کنند، وارد کوی دانشگاه می شوند. اطلاعیه وزارت فرهنگ و آموزش عالی می گوید: تظاهرات جمعی از دانشجویان در محوطه کوی دانشگاه و در مقابل آن درحالی که بامدیریت مسئولان دانشگاهی رو به اتمام بود، با مداخله خشونت آمیز نیروهای انتظامی به حادثه ای تلخ و تاسف بار تبدیل شد. در این حادثه که در نوع خود بی نظیر بود حرمت ها و حریم ها شکسته شده است که بازسازی آنها به سادگی مقدور نخواهد بود... ورود به محوطه کوی دانشگاه بدون اجازه، شکستن در اتاق ها، تخریب، انهدام لوازم شخصی دانشجویان و وسایل عمومی دانشگاه، آتش زدن اتاق ها، ورود به ساختمان دانشجویان خارجی، ضرب و شتم آنان و تخریب وسائشان. شلیک گلوله و پرتاب کردن دانشجویان از پنجره اتاق و به قتل رساندن تعدادی از آنان. سوزاندن کتاب ها و عکس ها، عکس های خاتمی و شریعتی هم نیم سوخته شده اند. تعداد مضروبان و مجروحان بیش از دویست نفر برآورد می شود. اما کشته شدگان موضوع تازه یی ست. از یک تاهفت روایت کرده اند. «هجده تیرماه در تاریخ ثبت شد.» تعداد زیادی از دانشجویان دستگیر شدند.



دانشجوی مبارزی که اسیر گزمنان استبداد شده است

سیماء، و روزنامه های رسالت و کیهان می دادند: چراغ لاریجانی خاموش باید گردد، و طالبان طالبان دانشگاه راهراکن. سپس دانشجویان به سمت وزارت کشور حرکت کردند. در طول این مسیر دانشجویان دانشگاه آزاد نیز به تظاهرکنندگان پیوستند. دانشجویان عکس هایی از خاتمی، طالقانی و شریعتی در دست داشتند. با سر دادن شعار «خاتمی خاتمی واکنش واکنش» خواستار عکس العمل رئیس جمهوری در قبال حوادث دو روز گذشته شدند.

سنگرهای دیگری که گشوده می شود

اعتراض دانشجویان بسرعت به شهرهای دیگر ایران گسترش می یابد. ارتجاع شدیداً به وحشت و هراس افتاده است. در زنجان دانشجویان مجلس ترحیمی برای شهدای به خون خفته جنبش برگزار می کنند و نام آن را «گرامی داشت کبوتران خونین پال کوی دانشگاه تهران» می گذارند. معترضان سپس در خیابان منتهی به دانشگاه آزاد زنجان دست به راه پیمایی می زنند. در مشهد نیز دانشجویان به جوش و خروش آمده اند. دانشجویان دانشگاه فردوسی همبستگی خود را با پیکار دانشجویان دانشگاه تهران اعلام می کنند. دانشجویان در محوطه دانشکده علوم پزشکی تجمع کرده اند و بر ضد نیروهای امنیتی و سرکوبگر شعار می دهند. دانشجویان به خشم آمده سپس در مسیر دانشکده علوم پزشکی مشهد تا میدان تقی آباد به راه پیمایی می پردازند. در سیستان و بلوچستان نیز دانشجویان در اعتراض به خیابان ها می ریزند. اعلامیه دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان ضمن محکوم کردن ارتجاع حاکم، بدستی سؤال می کند: «چه ارتباطی بین عوامل خودسر در وزارت اطلاعات و یکی از خطیبان نماز جمعه تهران وجود دارد که یک هفته پس از حمله به اتوبوس توریست های آمریکایی توسط عاملان قتل های زنجیره ای آن را اقدامی مردمی و انقلابی قلمداد می کند... و نیز امروز چه ارتباطی بین نیروهای انتظامی و گروه های فشار وجود دارد که گروه های فشار زیر چتر حمایتی نیروهای انتظامی شبانه به خوابگاه دانشجویان حمله ور شده و با به شهادت رساندن و مجروح کردن دانشجویان روی ساواک و هیتلرها و صدام ها را سفید کردند...» در لرستان نیز دانشجویان در همبستگی به حرکت در می آیند. در شاهرود دانشجویان معترض در مسجد محل جمع شده اند. یکی از دانشجویان سخنران می پرسد ما می خواهیم بدانیم متخلفان از اصل ۳۲ قانون اساسی که آزادی های مشروع افراد را سلب می کنند، کی و چگونه مجازات می شوند. در کرمان، هرمزگان، یزد و ولی عصر رفسنجان، مرکز تکنولوژی پیشرفته کرمان، و دانشگاه رازی و علوم پزشکی کرمانشاه نیز دانشجویان حرکت های غرور آفرینی از همبستگی با دانشجویان دانشگاه تهران سازمان دهی می کنند.

و آنگاه خونریزی در تبریز:

زمان: یکشنبه شب. محل: دانشگاه تبریز. دانشجویان دانشگاه تبریز و علوم پزشکی در اعتراض به وقایع تهران اقدام به تحصن در درون محوطه دانشگاه کرده اند. نیروهای امنیتی و چاقو کشان «ولی فقیه»، مسلح به باتون، کلت های کمری، بی سیم و میله های آهنی، با همکاری نیروهای امنیتی، وزارت اطلاعات، سپاه و بسیج، به دانشجویان یورش می برند. مهاجمان با پرتاب سنگ وارد محوطه دانشگاه می شوند، و وحشیانه دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار می دهند. دانشجویان همچنان شعار می

پرچم خونین: ۱۸ تیر، ۱۶ آذرماست!

شنبه ۱۶ تیرماه. تجمع کنندگان مقابل دانشگاه تهران، پس از پایان تحصن اعتراض آمیز خود، در مقابل کوی دانشگاه تهران تجمع کرده، از این مکان به سوی وزارت کشور و سپس نهاد ریاست جمهوری حرکت کردند. دانشجویان معترض از ساعت ۱۵/۳۰ درحالی که در طول مسیر شعارهای مختلفی سر می دادند، به سوی کوی دانشگاه تهران حرکت کردند. در مقابل کوی دانشگاه یکی از اعضای انجمن اسلامی دانشگاه تهران، تجمع کنندگان را به داخل محوطه خوابگاه فراخواند تا گزارش حوادث دو روز گذشته را به حاضران ارائه کند. اما دانشجویان با مخالفت با این درخواست به دادن شعار پرداختند: برادر شهیدم، راهت ادامه دارد، دانشجویان دانشجویان راهت ادامه دارد، این سند جنایت استبداد، ۱۸ تیرماه، ۱۶ آذرماست، دانشجوی مبارز شهادتت مبارک، ای ملت باغیرت، حمایت حمایت. دانشجویان سپس خواستار حضور رئیس جمهوری در میان خود شدند. تجمع کنندگان هم چنین به دادن شعارهایی پرداختند مانند: دادگاه ویژه منحل باید گردد و خون شهیدمی جوشد، دانشجویی خروشد. در مقابل کوی دانشگاه تهران پرچم سیاهی که بر آن حمله ماموران و گروه فشار به کوی دانشگاه محکوم شده بود، دیده می شد. دانشجویان افزون بر این، شعارهایی بر ضد فلاحیان و زیراسبق اطلاعات، صدا و



دست ها و مشت های خونین - تهران ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸

ادامه پا به پای دانشجویان در سنگرهای پیکار ...

دهند، و درگیری‌ها شدید است. نزدیک به صد نفر از دانشجویان زخمی می‌شوند. نیروهای امنیتی با اسلحه گرم به روی دانشجویان آتش می‌کشند. مزدوران «ولی فقیه» در تعقیب دانشجویان وارد بیمارستان خمینی شده و به پرسنل پزشکی بیمارستان یورش برده و دانشجویان زخمی را دستگیر و با خود می‌برند. وحشی گری «سربازان گمنام امام زمان»، و مزدوران «ولی فقیه» روی سیاه‌کارترین جنایت کاران را سفید کرده است. روز بعد دانشجویان تبریز باز در اعتراض به این جنایات به خیابان‌ها آمده‌اند.

و پایان خونین نبود

تهران، میدان ولی عصر - دانشجویان دانشگاه تهران باردیگر در اعتراض به خشونت وحشیانه مزدوران «ولی فقیه» به میدان آمده‌اند. شعارهای «مرگ بر استبداد» فضای خیابان‌های اطراف را پر کرده است. دانشجویان معترض بر ضد «ولی فقیه» و نقش جنایتکارانه او در سرکوب آزادی، شعار می‌دهند. گزمگان بزدل تاریک اندیشی، در پناه مأموران تا بن دندان مسلح امنیتی، به دانشجویان بی سلاح و بی پناه هجوم می‌آورند. صحنه‌ها آن قدر تکان دهنده است که خبرنگار همشهری می‌نویسد: «در تمامی خیابان‌های اطراف دانشگاه نیروهایی با لباس شخصی که به باتوم، دست بند و اسلحه کمری مسلح بودند به مردم هجوم می‌بردند و آنها را تک می‌زدند. این تهاجم به حدی وسیع بود که خبرنگار ما امکان تماس با روزنامه را نداشت... بیش از ۷۰ نفر از مجروحان این حادثه در مسجد دانشگاه که به دلیل گاز گرفتگی و ضربات باتوم و گلوله زخمی شده‌اند بستری هستند اما هیچگونه امکانات دارویی و پرستاری وجود ندارد و دانشجویان پزشکی بدون هیچگونه وسیله‌ای در صدد انجام کمک‌های اولیه هستند. درگیری نیروهای مهاجم مسلح با مردم، به خیابان‌های فلسطین، آناطول فرانس، ابوریحان، فخر رازی، ۱۲ فروردین و ۱۶ آذر می‌رسد و تا ساعت ۹ شب ادامه دارد...» و آنگاه آن، توطئه شوم ارتجاع. روز سه شنبه مزدوران جنایتکار به خیابان‌ها می‌آیند تا با مضروب کردن مردم، آتش زدن وسایل نقلیه و مکان‌های عمومی زمینه و بهانه‌ی شبه کودتای ارتجاع را فراهم آورند. «برخورد قاطع با ضد انقلاب»، «ارادل و اوباش» اسم رمز عملیات نیروهای سرکوبگر برای درهم کوبیدن قیام دانشجویان است. یورش به خانه‌های دانشجویان و نیروهای مترقی آغاز می‌شود. گزمگان مسلح به مسلسل شبانه صدها نفر را دستگیر و چشم‌بند به چشم به شکنجه‌گاه‌ها می‌برند، و «ولی فقیه» و انصار استبداد، مست از پیروزی، عربده «منکوب کنید» و «مرعوب کنید» سر می‌دهند، و آنگاه هجوم مدافعان ارتجاع به خیابان‌های تهران برای قدرت‌نمایی. این‌ها مردم ما نیستند. و اینک دردنامه‌ی و جمع بندی‌ی از نبرد خونین و غرور آفرین فرزندان رشید خلق ما در نامه‌ی دردناک یک دانشجوی دانشگاه تهران به سردبیر روزنامه «نشاط»: «آنچه از روز شنبه در ذهن من حک شده است تنهایی دانشجویان در پشت آن درهای بسته بود. نگاه‌هایی که کسی را می‌جستند و از او اثری. آری به دنبال خاتمی بودند نه برای آنکه توضیح دهد، نه برای آنکه کاری بکند، بلکه برای آنکه حرف‌هایشان را بشنود برای آنکه بغض‌های شان را بشکند... چاره این کارها را در آنچه امروز در خیابان‌های شهر اتفاق افتاده است نمی‌بینم؟ ولی شما قضاوت کنید. وقتی کسانی این حادثه را محکوم می‌کنند که فجایع کوی دانشگاه محصول بوسه‌هایشان بر دست انحصار گران است. وقتی دو روز از حادثه کوی دانشگاه گذشت و حتی یک تسلیت رسمی از سوی محبوب‌ترین افراد به دانشجویان داده نشد تا آنها بدانند در غم آنها شریکی هست. وقتی خواستند ننگ حرمت‌های شکسته شده و خون‌های ریخته شده را با توبیخ ساده چند مسئول بشویند، وقتی هنوز برای سرکوب حرکت‌های پراکنده دانشجویی از حرکت‌های اصلاح طلب مجوز سلاخی آنها را در خیابان‌ها به بهانه اقدام علیه امنیت ملی بیابند، وقتی باز برای توجیه ریشه‌های ناآرامی‌ها به دست‌های بیگانه‌نگان متوسل می‌شوند و در یک کلام علی‌رغم محکوم کردن‌ها و ابراز اندوه‌ها حاضر به ذره‌ای عقب‌نشینی از منطق خشونت طلب خود نیستند و در مقابل همه اینها پاسخگو بل شنونده‌ای نیست. واقعا چاره چیست؟»

مبارزه ادامه دارد

اگر چه استبداد خون‌ریز، در پرتو خشونت گزمگان مسلح اش، و سکوت و مماشات طلبی «اصلاح طلبان» دولتی توانست پیکار قهرمانانه دانشجویان را در هم کوبد، و باز هم به حیات ننگین خود ادامه دهد، ولی سنگرهای مبارزه، بزرگ‌ترین دانشگاه پیکار است. هزاران دانشجویی که در این روزهای دشوار و سیاه‌زمین‌د، زخمی شدند و یا اکنون اسیر دست‌های اهریمنی کارگزاران شکنجه‌گاه‌های رژیم



«مرگ بر استبداد، آزادی اندیشه همیشه، همیشه»

«ولایت فقیه» اند، کادرهای آینده جنبشی خواهند بود که دیر یا زود ارتجاع واپس‌گرا و ضد مردمی حاکم را به زیر خواهند کشید و راه استقرار آزادی و عدالت اجتماعی در میهن ما را خواهند گشود. پیکار دانشجویان، حصارها را شکست و نقاب آزاد اندیشی و دموکرات منشی بسیاری از مدعیان را از صورت آنها برگرفت. دولت خاتمی با مهر تأیید زدن بر سرکوب دانشجویان، مانند همه مماشات گران پیش از آن راه را برای سرکوب خود نیز باز کرد. امروز دانشجویان سرکوب می‌شوند، ولی هدف نهایی طرح خونین «تابستان» درهم کوبیدن جنبش آزادی خواهی مردم میهن ماست. برای ارتجاع افسار گسیخته، خاتمی و دولت او اگر تن به تسلیم کامل در مقابل خواست‌های آنان ندهند، زایده‌ای است که با تجربه امروز می‌توان آن را نیز از بیخ و بن کند. در اوضاع و احوالی که بازار انگ «ضد انقلابی» و «مفسد» و «محراب» گرم است، و وزارت اطلاعات دولت خاتمی، همانند سال‌های ۶۰، و یورش جنایتکارانه رژیم به نیروهای دگراندیش، با دادن شماره تلفن «از مردم» می‌خواهد «عناصر آشوب طلب» را معرفی کند، هیچ کس حتی دولتمردان کابینه خاتمی نیز، امنیت نخواهند داشت. آنچه امروز بر ایران حاکم است، حکومت چاقو کشان و مزدوران ارتجاع و همان همکاران سعید امامی‌ها، فلاحیان‌ها، لاجوردی‌ها، حسینیان‌ها و دیگر جلاذدان رژیم اند، که خیابان‌ها را قرق کرده‌اند، آزادی خواهان را شکار می‌کنند، و در این میانه، شکنجه‌گران دیگر بار جسم انسان‌ها را در هم می‌کوبند تا روح شان را تسخیر کنند و آنگاه آنان را با چهره‌های مسخ شده به پای فرستنده‌های تلویزیونی کشانند تا ادعای «دخالت بیگانگان» را به اثبات برسانند.

میهن ما روزهای تاریخی را پشت سر گذاشت. پایه‌های حکومت استبدادی به لرزه افتاد، و خلق از این نبرد توشه‌ی بزرگ برای پیکار نهایی اندوخت. پیکار دانشجویان نشان داد که، رژیم «ولایت فقیه» تضادی آشفتنی ناپذیر با آزادی و جامعه مدنی دارد. رژیم «ولایت فقیه»، یعنی رژیم حاکمیت استبدادی مطلق یک فرد بر فراز قانون، بر فراز اراده میلیون‌ها ایرانی. و آنگاه سؤال اساسی: چه باید کرد؟ تجربه پیکار دانشجویان، همان طوری که ما بارها تأکید کرده بودیم، نشان داد که جنبش نیازمند رهبری، برنامه و سازمان دهی است. بدون رهبری منسجم، بدون حمایت مردمی، خصوصاً کارگران و زحمتکشان، نمی‌توان ارتجاع را ریشه کن کرد. پاسخ روشن است. مبارزه ادامه دارد. مبارزه تا پیروزی آزادی بر استبداد توقف ناپذیر است. شکست در یک سنگر، پایان کار نیست. خلق بی شک پیروز خواهد شد. برای آن روز، با توشه تجربه امروز، باید از هم اکنون کار را با پیگیری و تلاش جدی تری گرفت.

**درور پر شور به همه مبارزان راه آزادی
که در بندهای رژیم استبدادی اسیرند!
ننگ و نفرت بر ارتجاع حاکم و مزدوران و
پاسداران تاریک اندیشی و استبداد!**

اعلامیه شماره ۳ کمیته مرکزی حزب توده ایران

دیکتاتور فرمان سرکوب خونین دانشجویان و دیگر آزادی خواهان را صادر کرد

هم میهنان آزاده و مبارز،

سید علی خامنه ای، «ولی فقیه»، رژیم استبداد و ضد مردمی، شامگاه سه شنبه ۲۱ تیرماه، فرمان سرکوب خشن و بی رحمانه جنبش دانشجویی و آزادی خواهان میهن ما را صادر کرد. در پیامی که از رادیو و صدا و سیما جمهوری اسلامی پخش شد، «ولی» استبداد و رهبر تاریک اندیشی و ارتجاع از چاقو کشان و مزدوران مسلح زیر فرمانش خواست تا: «با درایت و قدرت عناصر مفسد و محارب را برجای خود بنشانند» و از «فرزندان بسیجی» اش خواست «با حضور در هر صحنه بی که حضور آنان در آن لازم است، دشمنان زبون را مرعوب و منکوب سازند». در پی این فرمان بود که امروز در تهران ده ها هزار پاسدار، بسیجی، مأموران وزارت اطلاعات و مزدوران و چاقو کشان انصار حزب الله به خیابان ها ریختند تا حمایت خود را از این فرمان جنایتکارانه و ضد انسانی اعلام کنند. در این مراسم، حسن روحانی، دبیر شورای امنیت ملی و از کارگزاران استبداد، انحصار و تاریک اندیشی، از دادگاه ها خواست تا دستگیر شدگان، یعنی صدها دانشجو و مردم آزادی خواه را به جرم «محارب و مفسد»، محاکمه و به اشد مجازات، یعنی اعدام محکوم کنند.

در هفت روز گذشته ایران صحنه حوادث سهمگین و تکان دهنده ای بوده است. مزدوران تاریک اندیشی، نیروهای انتظامی رژیم «ولایت فقیه»، هفت روز است که بر دانشجویان پیکارگر و دلیر میهن ما و مردم آزادی خواهی که به دفاع از آنان برخاسته اند، می تازند، می کشند، می ربایند و آن وقت این مردم و دانشجویان هستند که به «خشونت طلبی» متهم می شوند. حمله به مردم عادی، مکان های عمومی و دامن زدن به جو نا امنی و ارباب در روز سه شنبه ۲۱ تیرماه نقشه شوم نیروهای امنیتی و ارتجاع حاکم برای زمینه سازی سرکوب خونینی بود که سید علی خامنه ای فرمان آن را قبلاً نوشته بود. مردم به حق می پرسند که سکوت و حمایت ضمنی دولت خاتمی از عریبه های «منکوب» و «مرعوب» کنید و «تکه تکه کردن» مخالفان، چه معنایی جز هم صدا و همگام شدن با سرکوب وحشیانه جنبش دانشجویی و آزادی خواهان می تواند داشته باشد. مردم و دانشجویان می پرسند مگر آقای خاتمی نمی داند چه کسانی سازمان دهندگان خشونت و ترور در ایران هستند که امروز دانشجویان و نیروهای دگراندیش در مظان اتهام قرار گرفته اند. مگر مأموران امنیتی نبودند که شبانه به خوابگاه دانشجویان حمله کردند و آن جنایات تکان دهنده را مرتکب شدند؟ مردم می پرسند مگر همین نیروهای وزارت اطلاعات و سرکوب نبودند که پروانه و داریوش فروهر، مختاری، پونده و شریف را به قتل رساندند و آن وقت «ولی فقیه» و مدافعان حکومت استبداد این اعمال را به «عوامل خارجی» نسبت دادند؟ نتیجه این سکوت و تسلیم شدن در برابر خواست «ولی فقیه» و انصار «استبداد» در دو روز گذشته، دستگیری نزدیک به هزار فعال و کادر جنبش دانشجویی است که در یورش به خانه هایشان و یا در خیابان ها روبرو شده و به شکنجه گاه های رژیم برده شده اند. این دستگیری ها در کنار پیگرد دگراندیشان، از جمله نویسندگان مترقی و دستگیری خسرو سیف، سخنگوی حزب ملت ایران، به همراه همزمانش، مهندس بهرام نیازی و مهرا میر عبدالباقی کاشانی، از فعالان این حزب در جنبش دانشجویی نیز بخش دیگری از توطئه واحدی است که هدفش سرکوب کامل جنبش آزادی خواهانه در میهن ماست. به عبارت دیگر «مقابله با اراذل و اوباش و ضد انقلاب» اسم رزم عملیات ارگان های سرکوب برای دستگیری، محاکمه نظامی و کشتار آزادی خواهان است که در چند روز گذشته در ابعاد کم سابقه ای در میهن ما در جریان است.

هم میهنان آگاه و مبارز،

تجربه تاریخی نشان داده است که اگر در مقابل این ترفندها و یورش های ارتجاع مقاومت توده ای انجام نگیرد، ارتجاع خواهد توانست برنامه های شوم خود را به تمام و کمال به اجرا درآورد. هزاران مبارز آزادی خواه در سراسر ایران دستگیر و روانه شکنجه گاه ها و دادگاه های نظامی رژیم شده اند. اتهام «محارب و مفسد» به مبارزان راه آزادی، یعنی صادر کردن حکم اعدام برای آنان. مردم ما خوب بیاد دارند که در تابستان ۱۳۶۷ نیز هزاران انسان آزادی خواه و مبارز به «محارب» و «مفسد» بودن متهم شدند و در عرض چند هفته به وحشیانه ترین شکل ممکن قتل عام شدند.

ما از همه مردم آزادی خواه میهن، روزنامه نگاران مستقل، با وجدان و انسان دوست، شخصیت های سیاسی - اجتماعی کشور و نیروهای مذهبی که حساب خود را از این جنایات جدا کرده اند می خواهیم تا تمام امکانات و توان خود را برای آزادی زندانیان سیاسی به کار گیرند. بر اساس گزارش هایی که به ما رسیده است کارزار سرکوب رژیم تازه در مراحل ابتدایی آن است و برنامه گسترده بی برای دستگیری و پیگرد فعالان جنبش دانشجویی، دگراندیشان، نویسندگان، روزنامه نگاران، فعالان سیاسی، زندانیان سیاسی آزاد شده و هرکس که «خطری» برای ادامه رژیم «ولایت فقیه» محسوب شود تدارک دیده شده است. این نقشه شوم را تنها با مقاومت و مبارزه مشترک می توان با شکست روبه رو کرد. اگرچه ارتجاع جنگ و دندان نشان داده است و بازوی مسلح خود را با تمام توان به کار گرفته ولی مبارزه پایان نیافته و جنبش شکست نخورده است. می توان با اعتراض به این اعمال، با بسیج افکار عمومی و مقاومت روند حوادث را به نفع جنبش مردمی تغییر داد.

حزب توده ایران در ده سال گذشته مرتباً بر این نکته تأکید کرده است که رژیم «ولایت فقیه» یعنی حکومت استبدادی مطلق یک فرد بر تمام شئون و حیات جامعه سد اساسی هرگونه تحول بنیادین، دموکراتیک و پایدار در ایران است. حوادث هفت روز اخیر محکم ترین سند در اثبات این مدعی است و پاسخی است به کسانی که تصور می کردند می توان جامعه مدنی و آزادی را با استبداد قرون وسطایی و خشن بیوند زد و از این طریق ایران را به سمت اصلاح اجتماعی و تغییرات تدریجی به سمت دموکراسی پیش برد.

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن یورش وحشیانه مزدوران استبداد و ارتجاع، خواهان آزادی بدون قید و شرط صدها زندانی سیاسی، رهبران، کادرها و فعالان دانشجویی و همچنین اعضای رهبری حزب ملت ایران است. حزب توده ایران از همه نیروهای آزادی خواه و انسان دوست در سراسر جهان می خواهد تا صدای اعتراض یکپارچه خود را بر ضد موج سرکوب آزادی خواهان در ایران بلند کنند. نباید اجازه داد تا ارتجاع و استبداد قرون وسطایی حاکم بار دیگر گروه کثیری از آزادی خواهان میهن ما را کشتار کند.

درور پر شور به همه مبارزان راه آزادی که در بندهای رژیم استبدادی اسیرند!
ننگ و نفرت بر ارتجاع حاکم و مزدوران و پاسداران تاریک اندیشی و استبداد!
پیروز باد مبارزه خلق برای آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۴ تیرماه ۱۳۷۸



همبازی سوسیالیستی در مقابله با امپریالیسم

کوبا و ویتنام، در روز ۲۳ تیرماه، استراتژی خشن و مداخله گرانه پیمان ناتو را محکوم کردند و خواهان سازمان ملل متحد متکی به روابط دموکراتیک شدند. بیانیه مشترک دبیر کل حزب کمونیست ویتنام، له خافو، و رئیس جمهوری کوبا، فیدل کاسترو، در پایان بازدید رسمی یک هفته ای هیئت عالی رتبه ویتنامی از کوبا منتشر شد. بیانیه خاطر نشان می کند: «دو طرف قویاً مفهوم استراتژی جدید ناتو، که متوجه ایجاد یک حق ساختگی برای مداخله در هر جایی است، مردود می شمارند.» دو رهبر حملات ناتو به یوگسلاوی را در تناقض با هدف سازمان ملل به حفظ صلح در جهان دانستند. کوبا و ویتنام اهمیت احترام به سازمان ملل متحد را مورد تاکید قرار داده و خواستار استقرار روابط دموکراتیک در آن شدند. رهبران دو کشور متحد سوسیالیستی گفتند که آنها «در تقابل با تمایل آنانی که سعی به کنترل سازمان ملل دارند، مبارزه خواهند کرد.»

بیانیه به صراحت ایالات متحده و متحدان غربی آن را که درصدد کنترل سازمان ملل و شورای امنیت آن، به منظور پیش بردن منافع استراتژیک خود اند، مورد حمله قرار داد. بیانیه ضمن اشاره به حمایت متقابل دو کشور سوسیالیستی، که کارنامه درخشانی در مبارزه بر ضد امپریالیسم آمریکا دارند «همبستگی بر پایه اصول مارکسیسم لنینیسم» را مورد تاکید قرار دادند. ویتنام همچنین خواستار پایان تحریم طولانی و غیر قانونی کوبا توسط ایالات متحده گردید. بازدید از کوبا، اولین مسافرت رفیق له خافو، که ۱۸ ماه قبل به دبیر کلی حزب کمونیست ویتنام انتخاب شد به خارج از جنوب شرقی آسیا بود. بازدید از کوبا فرصتی بود برای تقویت روابط اقتصادی دو کشور سوسیالیستی. در حال حاضر میزان مبادلات تجاری میان دو کشور در حدود ۱۰۰ میلیون دلار است. ویتنام، برنج، دوجرخه و ذغال به کوبا صادر می کند و در مقابل از مهارت ها و محصولات کوبا در صنعت شکر و فرآورده های بهداشتی و بیوتکنولوژیک بهره مند می شود.

ترکیه - عراق - و حقوق بشر

ساعاتی پس از آخرین حمله هوایی جنگنده های آمریکایی به اهداف خود در شمال، عراق ویلیام کوهن، وزیر دفاع ایالات متحده، در روز ۲۳ تیرماه از پایگاه هوایی اینچرلیک در جنوب ترکیه بازدید کرد. یک سخنگوی وزارت دفاع آمریکا مدعی شده که

جنگنده های آمریکایی با بمب های هدایت شونده لیزری به «یک مرکز فرماندهی و کنترل در غرب موصل» حمله کرده اند. از آذر ماه سال گذشته که عراق اعلام کرد فعالانه به مخالفت با سیاست آمریکا و انگلیس در اعمال سیاست «محدوده پرواز ممنوع» در شمال و جنوب این کشور خواهد پرداخت، جنگنده های آمریکایی مرتباً به ایستگاه های رادار و نیز مواضع استراتژیک نیروهای عراق در شمال این کشور حمله کرده اند. ویلیام کوهن، در روز ۲۴ تیرماه، در آنکارا با مقامات ترکیه در مورد اشغال شمال قبرس به مذاکره نشست.

● در ملاقاتی که در جریان اجلاس اخیر سازمان وحدت آفریقا میان وزیر خارجه عراق، محمد سعید الصحف و دبیر کل سازمان ملل، کوفی عنان، صورت گرفت، مسئله پایان دائمی تحریم های سازمان ملل بر ضد این کشور، و روابط عراق و این سازمان، مورد بحث قرار گرفت. الصحف تصریح کرد عراق هیچ چیزی غیر از اتمام کامل تحریم ها را نمی پذیرد، چرا که دولت بغداد به همه تعهدات خود در قبال قطعنامه های سازمان ملل عمل کرده است.

● مقامات ترکیه، در روز ۲۰ تیرماه، اعلام کردند که عملیات یک هفته ای واحدهای نظامی این کشور در شمال عراق پایان یافته است. ۱۰۰۰۰ سرباز ارتش ترکیه، که مورد حمایت جنگنده های مدرن و نیز هلیکوپتر های تهاجمی کبرا ساخت آمریکا بودند، در تهاجم همه جانبه خود به کردستان عراق، مواضع حزب کارگران کردستان را مورد حمله قرار دادند. تهاجم فرامرزی ترکیه، از طرف روسیه، ایران و دولت عراق محکوم گردید. ترکیه مدعی شده بود که، حمله اخیر برای جلوگیری از حملات انتقام جویانه چریک های حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) بوده است که رهبرشان - عبدالله اوجلان اخیراً در یک دادگاه ترکیه محکوم به مرگ شد.

● دادگاه حقوق بشر اروپا، در روز ۱۷ تیرماه، ترکیه را به دلیل ۱۱ مورد نقض حق آزادی بیان در رابطه با شهروندان کرد محکوم شناخت. دادگاه به سبب شکایت های ۱۱ تن که شامل روزنامه نگار، وکیل دعاوی حقوقی، رهبر سندیکایی، نویسنده، و معلم بود به جرم «تبلیغات جدایی طلبانه» در رابطه با انتشار بیانیه هایی به طرفداری از مردم کرد زندانی شده و یا جریمه شده بودند، تشکیل شده بود. رای دادگاه که در بروکسل بزرگوار می شد، یک هفته پس از اینکه یک دادگاه ترکیه عبدالله اوجلان، رهبر چریک های حزب کارگران کردستان، را به مرگ محکوم کرد، صادر شد. دادگاه حقوق بشر اروپا به آنکارا دستور داد که به هر کدام از ۱۱ تن شاکمی ۵۰۰۰ دلار بپردازد، و نیز تمام هزینه های مربوط به دادگاه و وکلای مدافع شاکمیان را به عهده بگیرد. دادگاه مقرر داشت که ۱۱ نفر که در دادگاه نظامی ترکیه محاکمه شده بودند، محاکمه عادلانه ای نداشته اند.

حافظ اسد در مسکو

برای اولین بار در ۱۰ سال اخیر، حافظ اسد، رئیس جمهوری سوریه، در جریان یک سفر رسمی در روزهای ۱۶ و ۱۷ تیرماه، از مسکو بازدید کرد. قبل از فروپاشی سیستم سوسیالیستی در شوروی و شرق اروپا، سوریه یکی از نزدیک ترین متحدان شوروی در خاورمیانه محسوب می شد و روابط دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی میان دو کشور قابل ملاحظه بود. در سال های اخیر دولت روسیه زیر فشار ایالات متحده و کشورهای طرفدار اسرائیل که از سیاست رادیکال سوریه در رابطه با روند صلح خاورمیانه راضی نیستند، سعی به تقلیل سطح روابط داشته است. گفته می شود که سفر کنونی حافظ اسد برای تجدید و تقویت روابط میان سوریه و روسیه و نیز انعقاد قرارداد خریدهای تسلیحاتی بوده است. ولادیمیر رخمانین، سخنگوی وزارت خارجه روسیه، گفت که، توجه اصلی مذاکرات میان دو کشور به «مسائل سیاسی بین المللی» و وضعیت در خاورمیانه، بالکان و عراق بوده است. او اشاره کرد که، گرچه همکاری های نظامی - تکنیکی در سطح کلی مورد بحث قرار گرفت، ولی این عرصه یکی «از عناصر مهم همکاری های سودمند دو جانبه» باقی می ماند.

مسکو در نظر دارد یک میلیارد دلار تسلیحات، از جمله هواپیماهای جنگنده میگ ۲۹ به سوریه بفروشد. ایالات متحده در روز ۱۶ تیرماه به روسیه اخطار کرد که، در صورت فروش تسلیحات به سوریه - کمک های خود به مسکو را قطع خواهد کرد. جرمی فولی، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد: «در رابطه با فروش تسلیحات، ما از فروش هرگونه اسلحه بی به سوریه، و یا هر کشور دیگری که به عنوان حامی تروریسم قلمداد می شود، خیلی نگران خواهیم بود.» در فروردین ماه ایالات متحده سه کمیته روسی را که اسلحه های ضد تانک به سوریه فروخته بودند، مشمول تحریم کرد. جرمی فولی اضافه کرد در صورتی که بازدید حافظ اسد از مسکو برای سرعت بخشیدن به روند صلح

خاورمیانه باشد، رخدادی مثبت قلمداد می شود.

افق صلح در آفریقا

با امضای یک قرار داد آتش بس از طرف ۶ کشور درگیر در جنگ های داخلی جمهوری دموکراتیک کنگو - در ۱۹ تیرماه - امید به پایان درگیری های تراژیک در این کشور، که بیش از یک سال در جریان بوده است، قدرت گرفت. لورنت کابیلا، رئیس جمهوری ترقی خواه جمهوری دموکراتیک کنگو، پس از امضا قرار داد آتش بس، در لوساکا پایتخت زامبیا، گفت: «آنچه که می می توانم بگویم اینست که امیدوار هستم.»

فردریک چیلوبا، رئیس جمهوری زامبیا که نقش میانجی و مذاکره کننده اصلی را در رابطه با این توافقنامه به عهده داشت، آن را «طلوع یک عصر جدید برای آفریقا» دانست. در مراسم امضاء موافقتنامه، شورشیان ضد دولت کابیلا حضور نداشتند. انتساب داخلی در میان شورشیان در ماههای اخیر مانع حضور یک هیأت نمایندگی که بتواند از سوی آنان در اجلاس سخن بگوید، شد. پزیدنت چیلوبا گفت که، او سعی خواهد کرد که پس از اتمام اجلاس سازمان وحدت آفریقا که در روز ۲۱ تیرماه در الجزایر آغاز شد، راهی برای حل اختلافات شورشیان کنگویی پیدا کند.

پزیدنت لورنت کابیلا، در جریان اجلاس سازمان وحدت آفریقا یک فرمان عفو عمومی برای تمامی شورشیان اعم از نظامی و غیر نظامی، که بر ضد دولت او می جنگیده اند صادر کرد. وزیر دادگستری کنگو، مونزه کنگولو، که با کابیلا در الجزیره بود، در روز ۲۳ تیرماه به کنگو برگشت تا اسناد رسمی مربوط به عفو عمومی را تکمیل کند. یک مقام رسمی و عالی رتبه وزارت دادگستری گفت: «ما در حال تهیه متنی هستیم که بزودی امضاء خواهد شد.» رادیو فرانسه به نقل از مونزه کنگولو گفت: کابیلا «عفو عمومی، برای تمامی اعضای شورشیان، شامل سربازان، غیر نظامیان و سیاستمداران» اعلام کرده است.

وزرای خارجه کشورهای آفریقایی به پیمان های آتش بس در کنگو و سیرالئون خوش آمد گفتند. صدر شورای وزیران سازمان وحدت آفریقا، احمد عطای الجزایری، و دبیرکل این سازمان - سلیم احمد سلیم - گفتند که، آنها هر دو امیدوارند که پیمان های صلح پایان همیشگی برای درگیری ها به ارمنان بیاورد. سلیم احمد سلیم گفت: «من معتقدم که اجلاس ما در الجزایر باید فرصتی برای یک بررسی جدی پیرامون جنگی که به لحاظ شکل درگیرها در آفریقا در مقابل ما قرار دارد، فراهم آورد.»

امپریالیسم و سلاح های ژنتیکی

از دیر باز تحقیقات ژنتیکی در جهان پزشکی همواره منبع امید های فراوان برای مبارزه با بیماری های سخت بوده است. ولی اخیراً ثابت شده است که این رشته حیات بخش که در اختیار امپریالیسم است راه را به سوی سلاح های بیولوژیکی جدید و وحشت آفرین باز می کند. شورای پزشکی انگلیس، در فراخوانی برای اقدام فوری، به دانشمندان و محققان هشدار داده است که هشیار بوده و از اینکه نتایج تحقیقات علمی آنان به چنگ گروه های نژاد پرست و تروریست هایی که قصدشان استفاده از دستاورد های علمی در جهت نیات جنایتکارانه است، بر حذر باشند. بر طبق گزارش منابع علمی، پیشرفت های ژنتیکی این امکان را به وجود آورده است که سلاح هایی طرح ریزی شود تا فقط گروه های نژادی خاصی از مردم را از بین ببرد.

اروپای شرقی، و این که رژیم آبارتاید آفریقای جنوبی، قبل از سقوط، به سلاح های بیولوژیک دسترسی داشته است، وجود دارد. ما خواستار افزایش کنترل ها نیستیم، ولی می خواهیم که کنترل آنها را به طور قابل توجهی تقویت کنیم.» سخنگوی وزارت خارجه انگلیس متذکر شد که، نمی توان کتمان کرد که کمیسیون بین المللی کنترل سلاح های بیولوژیکی هیچ قدرتی ندارد، و ۱۴۱ کشور عضو کمیسیون تا کنون دستور بررسی هیچ موردی را نداده اند. به گفته این مقام انگلیسی، این امر با عملکرد کمیسیون کنترل سلاح های شیمیایی، کاملاً در تباین است. انگلستان در حال حاضر مانع اصلی در مقابل تلاش بین المللی برای تقویت پیمان ۱۹۷۲ می باشد.

سلاح های بیولوژیک در گذشته بعضاً به دلیل فقدان روشی برای تشخیص بین انسان ها و عدم تمایز بین «دوست» و «دشمن» به طور گسترده استفاده نشده است، ولی پیشرفت بیو تکنولوژی به طور اتفاقی این «مشکل» را از میان برداشته است. دانشمندان در شرف پیشرفت بزرگی برای تشخیص کد ژنتیکی انسان اند، یعنی بخش بسیار بفرنجی از مراحل تشخیص وجه تمایز گروه های بخصوص که توضیح می دهد چرا مثلاً مردم یک گروه نژادی بخصوص، از آنمی سلول های داسی شکل رنج می برند. شورای پزشکی انگلستان در گزارشی زیر نام «بیوتکنولوژی، تسلیحات و بشریت» هشدار داد که ممکن است این دستاورد علمی در جهت توسعه سلاح هایی که موجودیت نوع بشر را تهدید می کند، به کار گرفته شود و این امکان وجود دارد که پیشرفت بیو تکنولوژی بتواند باعث انحراف طبیعت انسان دوستانه علم بیو مدیکال شود.

جنبه ترسناک تر مسئله این است که، دست اندر کاران علم پزشکی خواسته یا نا خواسته، برای توسعه سلاح های بالقوه جدید کمک کنند. شورای پزشکی انگلیس در مورد این امکان بالقوه برای استفاده های شوم از دانش بیو مدیکال، و مسئولیتی که این احتمال بردوش آن دسته از دانشمندان و پزشکان که می خواهند وجدان کاری خود را حفظ کنند، می گذارد، نگرانی خود را ابراز کرده است. بر اساس نتایج تحقیقات انجام شده در آزمایشگاه های علمی، این امکان وجود دارد که بمب های مخصوص در بردارنده مثلاً گاز سمی ویا طاعون طوری طرح ریزی شود که ویروس فقط در مواقعی فعال شود که ژن های گروه بخصوصی را در شخص (نشانه عضویت در گروه نژادی بخصوص) تشخیص دهد.

در دهه اخیر جهان بدفعات شاهد بوده است که چگونه جنگ بر سر مواضع استراتژیک ژئوپولیتیک و در جهت استقرار نفوذ امپریالیستی به شکل درگیری های قومی و جنگ بین گروه های نژادی تظاهر یافته است. کوشش نیرو های شوونیست حاکم در عراق، ترکیه و ایران برای نفی وجود اقلیت نژادی کرد در کشور هایشان و فاجعه درگیری میان نیرو های «توتسی» و «هوتو» در آفریقا، امکان بالقوه استفاده از سلاح های بیولوژیک و شیمیایی را قویاً مطرح می کند. در سال ۱۹۹۵ فرقه مذهبی «شین ری کیو» از گاز اعصاب سارین در تونل های زیرزمینی توکیو استفاده کرد. شواهدی در دست است که این فرقه روی گاز سمی به مثابه یک سلاح کشتار جمعی تحقیقاتی داشته و علاقمند به مهندسی ژنتیک بوده است.

ویوان ناتانسون، رئیس مرکز تحقیقات بهداشتی در «شورای پزشکی انگلیس» گفت که، وضعیت بسیار حساس است: « این مهم است که تأکید کنیم که ما در مورد تکنولوژی واطلاعاتی صحبت می کنیم که می تواند همین حالا و در سال های آینده مورد استفاده قرار گیرد. ما اکنون و قبل از اینکه این سلاح ها به طور واقعی تولید شود، فرصت داریم که در این رابطه اقدامی کنیم.»

پزشکان «شورای پزشکی انگلیس» که گزارش خود را به رابین کوک، وزیر امور خارجه، فرستاده اند، خواستار تحکیم و تقویت پیمان سلاح های سمی و بیولوژیکال شده اند که در سال ۱۹۷۲ به تصویب رسید ولی بدفعات توسط کشور های قدرتمند نقض شده. بر اساس مدارک موجود، در دهه گذشته تحقیقات موفقی در مورد امکان استفاده از ویروس بیماری آبله، که به طور کامل ریشه کن شده است، انجام شده است.

پروفسور مالکوم داندو، از بخش تحقیقات صلح در دانشگاه براد فورد، گفت: «این مسئله بی نظری و فرضی نیست. در حال حاضر مدارکی پیرامون برنامه ریزی سلاح های بیولوژیک در عراق، برنامه ریزی گسترده تولید سلاح های بیولوژیکال در

نژاد پرستان آفریقای جنوبی در خط مقدم!

رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی، محیطی مناسب برای پیشبرد تحقیقات ژنتیکی با هدف توسعه تسلیحاتی آماده کرده بود. در آفریقای جنوبی حتی کمیسیون حقیقت دزموند توتو، که وظیفه بررسی و افشای جنایات رژیم نژاد پرست را به عهده داشت، بدلیل سری قلمداد شدن بسیاری از ساختار های تحقیقاتی که ارتباط با محافل نظامی و قدرتمند عمل می کنند، پیرامون برنامه ریزی برای توسعه سلاح های شیمیایی و بیولوژیکی توانست موفقیت چندانی داشته باشد. حقیقت اینست که رژیم آبارتاید، بر پایه بر خورد نژاد پرستانه خود با جمعیت سیاه پوست که از حقوق انسانی محروم بود، و همچنین به دلیل وجود حداقل کنترل ها بر عملکرد ساختار های تحت کنترل و نزدیک به محافل پر قدرت نظامی و امنیتی، محیط مناسبی را برای چنین تحقیقاتی به وجود آورده بود.

اکنون مشخص شده است که در اوج جنگ بر ضد آزادی خواهان کنگره ملی آفریقای جنوبی، سرمایه گذاری های سنگین کمپانی های بین المللی داروسازی در این عرصه از تحقیقات ژنتیکی، توجه سرویس های امنیتی و والتر باسون، متخصص قلب (کاردیولوژیست)، را جلب کرده بود. در مرحله بعد علاقه پرزیدنت پی دلبو بوتو و سران ارتش به «مواهی» که از قبل دستاورد های چنین تحقیقاتی حاصل می شود جلب گردید.

زیر نظر دکتر باسون، تحقیق در مورد پیشرفته ترین سلاح ها در برنامه آزمایشگاه «روده پلات» مورد توجه قرار گرفت. از موفق ترین نتایج تحقیقات دکتر باسون باکتری هایی بود که فقط بر روی سیاهپوستان اثر می کردند و نیز گاز کنترل کننده آشوب که با استفاده از «هالوسیانوزن» های حاوی ماری جوانا سیاهان

ادامه در صفحه ۲

کمک های مالی رسیده

دوستانان حزب از نیویورک به مناسبت اول ماه مه
۵۰۰ دلار
آ.آ. از آلمان
۱۰۰ مارک
زویا از ایران
۵۰ مارک

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
NAMEH MARDOM-NO:562
Central Organ of the Tudeh Party of Iran
<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

19th July 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse

اعلامیه شماره ۳ کمیته مرکزی حزب توده ایران

دیکتاتور فرمان سرکوب خونین دانشجویان و دیگر آزادی خواهان را صادر کرد

- بر اساس گزارش هایی که به ما رسیده است کارزار سرکوب رژیم نازده در مراحل ابتدایی آن است و برنامه گسترده یی برای دستگیری و پیگرد فعالان جنبش دانشجویی، دگراندیشان، نویسندگان، روزنامه نگاران، فعالان سیاسی، زندانیان سیاسی آزاد شده و هرکس که «خطری» برای ادامه رژیم «ولایت فقیه» محسوب شود تدارک دیده شده است.

- حزب توده ایران ضمن محکوم کردن یورش وحشیانه مزدوران استبداد و ارتجاع، خواهان آزادی بدون قید و شرط صدها زندانی سیاسی، رهبران، کادرها و فعالان دانشجویی و همچنین اعضای رهبری حزب ملت ایران است.

ادامه در صفحه ۶

- حمله به مردم عادی، مکان های عمومی و دامن زدن به جو بی امنیتی و ارباب در روز سه شنبه ۲۱ تیرماه نقشه شوم نیروهای امنیتی و ارتجاع حاکم برای زمینه سازی سرکوب خونینی بود که سید علی خامنه ای فرمان آن را قبلاً نوشته بود

- مردم به حق می پرسند که سکوت و حمایت ضمنی دولت خائمی از عریضه های «منکوب» و «مرعوب» کنید و «تکه تکه کردن» مخالفان، چه معنایی جز هم صدایی و همگام شدن با سرکوب وحشیانه جنبش دانشجویی و آزادی خواهان می تواند داشته باشد.

- «مقابله با اراذل و اوباش و ضد انقلاب» اسم رزم عملیات ارگان های سرکوب برای دستگیری، محاکمه نظامی و کشتار آزادی خواهان است.

نامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۶۲، دوره هشتم
سال شانزدهم، ۲۹ تیر ۱۳۷۸

پایه پای دانشجویان در سنگرهای پیکار مبارزه ادامه دارد



و آغاز پیکار

پنج شنبه ۱۷ تیرماه (ساعت ۱۰ شب) تظاهرات مسالمت آمیز و آرام دانشجویان، در خوابگاه کوی دانشگاه تهران، در خیابان کارگر شمالی، و سپس خیابان آل احمد، و برای اعتراض به لایحه «اصلاح قانون مطبوعات» و توقیف روزنامه «سلام» و سپس هجوم

ادامه در صفحه ۴ و ۵

اعلامیه شماره ۲ کمیته مرکزی حزب توده ایران

پایه های استبداد می لرزد

در صفحه ۳

دانشجویان سرود خون و آزادی سردادند
فاجعه کوی دانشگاه شکل ملی به خود می گیرد!
سرکوبگران و مزدوران رژیم «ولایت فقیه» دانشجویان مبارز ایران را به خاک و خون کشیدند!

سرگذشت دل من
زندگی نامه انسانست
که لبش دوخته اند
زنده اش سوخته اند
و به دارش زده اند
آه ای بابک خرم دین
تو لومومبا را می دیدی
و لومومبا می دید
مرگ خونین مرا در بولیوی
راز سرسبزی حلاج این است
ریشه در خون شستن
باز از خون رستن
«ه.الف سایه»

شش روز حماسه و خون، شش روز سرود آزادی، شش روز فریاد رهایی از دهان هزاران دانشجوی قهرمان دختر و پسر میهن مان، که به تنهایی با «دیو» استبداد و جرثومه های فساد جنگیدند، بی آنکه جزگروهی از قربانیان فقر و خفقان، جان به لب رسیده، فریادرسی داشته باشند، آنها چون «سیاوش» هایی تنهادر میدان نبرد قهرمانانه، از آزادی و عدالت اجتماعی دفاع کردند و برخاک و خون غلتیدند، درحالی که فریاد می کردند: حمایت! حمایت! شش روز سرود عشق در تقابل با گلوله و سرزنش: طرح تابستانی کشتار و سرکوب خونین مزدوران «ولایت فقیه» آغاز شده است:

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه امپریالیسم...

خشمگین را به عوض درگیری به مسالمت جویی وا می داشت. دکتر باسون، با پنهان شدن در پشت عذر «حفظ منافع ملی» شهادت خود در کمیسیون حقیقت را، بعد از اینکه دوره اصلی کار آن تمام شده بود، مطرح کرد، و بنابراین طبیعی به نظر می رسید که اعضای کمیسیون سئوالات زیادی در رابطه با ابعاد برنامه تحقیقات ژنتیکی - تسلیحاتی آفریقای جنوبی مطرح نساژند. از آنچه که فاش شد مشخص می شود که، قسمت اعظم تلاش های آنها در توسعه سلاح هایی برای ترور شخصیت ها، در قالب سمی که ظاهراً یک حمله قلبی را نشان می دهد، متمرکز بوده است. تنها مورد استفاده از ماده شیمیایی و بیولوژیکی به عنوان یک سلاح جنگی، مرگ اسرارآمیز یک گروه از سربازان موزامبیک در مرز آفریقای جنوبی بود. هیئت اعزامی تحقیقاتی سازمان ملل هیچ گاه موفق نشد آنچه باعث کشته شدن آنها شد، کشف کند.

اما شواهد جمع آوری شده به وسیله کمیسیون حقیقت، روشن می سازد که دکتر باسون، به عنوان یک چهره مهم، مورد توجه دولت های متعدد خارجی بوده است. او و هم دستاوردش برای تبادل اطلاعات مربوط به برنامه های سلاح های بیولوژیکی و شیمیایی ایالات متحده، تایوان، اسرائیل و آلمان، مسافرت های متعددی به این کشور هاداشته اند. آنها همچنین ملاقات های مهمی با محافل با نفوذ در بلژیک و کورواوسی داشته اند. تشخیص عنصر برتری طلبانه و بعضاً نژاد پرستانه را در ماهیت سیاست های حاکم بر تمامی این کشورها مشکل نیست. جالب اینکه آنچه سازمان های امنیتی انگلیس و آمریکا را در رابطه با دکتر باسون و همکارانش، در سال های اخیر، نگران کرده است ماهیت جنایتکارانه تحقیقات آنان نبوده بلکه، این بوده است که با روی کار آمدن حکومت ترقی خواهان دموکرات، در سال ۱۹۹۴، اسناد و جزئیات این تحقیقات به دست کنگره ملی آفریقا بیفتد.

رویدادهای ایران

فراخوان برای اعتراض سراسری

هم میهنان گرامی،

در پی یورش وسیع رژیم استبدادی و ضد مردمی «ولایت فقیه» بر ضد جنبش دانشجویی و آزادی خواهان ایران سازمان ها، احزاب و نهادهای سیاسی، دموکراتیک و فرهنگی میهن ما، در خارج از کشور، کارزار گسترده ای را برای اعتراض بر ضد سیاست های سرکوبگرانه رژیم و حمایت و ابراز همبستگی با مبارزات جنبش دانشجویی و مردمی میهن سازمان دهی کردند. کانون نویسندگان ایران (در تبعید) با انتشار فراخوانی ضمن انتشار لیستی از زمان و مکان حرکت های اعتراضی در کشورهای مختلف، حمایت خود را از «اقدامات کلیه افراد و تشکل های ایرانی و غیر ایرانی در همه جهان» اعلام کرد و از همه هم میهنان خواست که «به دور از هر شائبه ای با شرکت گسترده در این آکسیون ها، همبستگی خود را با جنبش دانشجویی، نویسندگان و اندیشه ورزان و مردم به جان آمده ی ایران به نمایش بگذارند.»

کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز در بیانیه ای که روز ۲۴ تیر ماه ۱۳۷۸ انتشار یافت همه نیروهای مترقی و آزادی خواه میهن را به مبارزه مشترک با این موج سرکوب فراخواند. در این بیانیه از جمله ذکر شده بود: «حزب توده ایران، ضمن محکوم کردن یورش وحشیانه مزدوران استبداد و ارتجاع، خواهان آزادی بدون قید و شرط صدها زندانی سیاسی، رهبران، کادرها و فعالان جنبش دانشجویی و همچنین اعضای رهبری حزب ملت ایران است. حزب توده ایران، از همه نیروهای آزادی خواه و انسان دوست در سراسر جهان می خواهد تا صدای اعتراض یکپارچه خود را بر ضد موج سرکوب آزادی خواهان در ایران بلند کنند. نباید اجازه داد تا ارتجاع و استبداد قرون وسطایی حاکم بار دیگر گروه کثیری از آزادی خواهان میهن ما را کشتار کند.»

ما ضمن اعلام حمایت از حرکت های اعتراضی گوناگونی که در کشورهای مختلف سازمان یافته است و ضمن استقبال از فراخوان کانون نویسندگان ایران (در تبعید) همگام با همه نیروهای مترقی، آزادی خواه و انسان دوست میهن در این حرکت های اعتراضی شرکت خواهیم کرد.

روابط عمومی کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۵ تیر ماه ۱۳۷۸

هشدار حزب ملت ایران

در اطلاعیه ای که روز دوشنبه ۲۸ تیرماه از سوی دفتر اروپایی حزب ملت ایران انتشار یافت از جمله آمده است: «سردمداران نظام ولایت فقیه برنامه ای در دست اجرا دارند تا ده تا ن از بازداشت شدگان در رابطه با جنبش دانشجویان را به جوخه اعدام بیاورند. در همین رابطه صدها تن را زیر شکنجه های قرون وسطایی قرار داده اند تا آنها را وادار به اقراری نمایند که وزارت اطلاعات رژیم دیکته می کند. برای نجات جان این پیشتازان راه آزادی باید به پا خواست و همه مجامع بین المللی و سازمان های هادار حقوق بشر را از آنچه در ایران امروز می گذرد آگاه سازیم. اگر در این امر تأخیر نمائیم بدون تردید فاجعه کشتار زندانیان بی گناه در سال ۱۳۶۷ یکبار دیگر تکرار خواهد شد.»

ده سال از ترور دکتر قاسملو و همراهانش گذشت

ده سال از ترور جنایت کارانه دکتر قاسملو، دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران، و همراهانش در وین، گذشت. مزدوران پلیسی که ده سال پیش به این جنایت هولناک دست بازیدند، از همان قماش بودند که سال گذشته، پروانه و داریوش فروهر، مختاری، پوینده و شریف را به قتل رساندند تا به زعم آمران خود شعله آزادی خواهی را در ایران خاموش سازند. غافل از آنکه کوره مبارزه خلق کرد و دیگر آزادی خواهان سراسر ایران، با هیمة تلاش و مبارزه انسانی گرم تر و فروزان تر می گردد.

بدین مناسبت، و به جهت گرامی داشت یاد دکتر قاسملو و یارانش، به دعوت حزب دموکرات کردستان ایران، در روز سوم ژوئیه، مراسم بزرگداشتی در وین برگزار شد که در آن عبدالله حس زاده، دبیرکل حزب، و هلن قاسملو، همسر شهید دکتر قاسملو، به سخنرانی پرداختند. رفیق حسن زاده در این سخنرانی، در بررسی تحولات ایران، از جمله گفت: «حتی همین تغییرات و گشایش های جزئی نیز که در اثر انتخاب محمد خاتمی به ریاست جمهوری در سیاست های دولت پدید آمده است، به کردستان ایران نتوانسته است راه پیدا کند.»

از دیگر سخنرانان این مراسم، دکتر فیشر، رئیس پارلمان اتریش، و دکتر بیلتر، از نمایندگان برجسته سبزیهای اتریش، بودند. دکتر بیلتر ضمن حملات شدیدی به رئیس جمهور کنونی اتریش که ده سال پیش به هنگام ترور دکتر قاسملو، کارمند وزارت خارجه بوده است، گفت: «قاتلان که به دام افتاده بودند، با اسکورت پلیس اتریش به فرودگاه برده شدند تا به ایران باز گردند.»

از سوی واحد حزب توده ایران در اتریش، به مناسبت یادبود دکتر قاسملو و یارانش، پیامی به مسئولان و اعضای حزب دموکرات کردستان ایران در اتریش، فرستاده شد.

فعالیت های گسترده همبستگی با

جنبش دانشجویی ایران

در پی فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران به سازمان ها و نیروهای مترقی جهان در اعتراض به یورش وحشیانه رژیم به جنبش آزادی خواهی کشور، نیروها، سازمان های و نهادهای بین المللی با انتشار بیانیه و با نامه اعتراض شدید خود را به دولت جمهوری اسلامی ایران اعلام کردند. از جمله فدراسیون جهانی جوانان دموکرات (WFYD) فراخوانی در همبستگی با دانشجویان و مردم ایران انتشار داد. فدراسیون جهانی جوانان بزرگ ترین تشکل جهانی جوانان و دانشجویان است که ۱۵۶ سازمان از ۱۰۲ کشور جهان در آن عضویت دارند. فدراسیون جهانی جوانان دموکرات به عنوان یک سازمان غیر دولتی (NGO) عضو دائمی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو است. فدراسیون جهانی جوانان در سال ۱۹۸۷، برنده جایزه «پیامبر صلح» سازمان ملل متحد شد. گزارش مفصل این اقدامات و حرکت های اعتراضی در شماره آینده «نامه مردم» درج خواهد شد.

اعلامیه شماره ۲ کمیته مرکزی حزب توده ایران

پایه های استبداد می لرزد

استراتژیکی همچون سرکوب خونین دانشجویان بدون اجازه دفتر او امکان پذیر نیست. خامنه ای امروز در ایران ولی استبداد، و آخرین سنگر مطمئن ارتجاع و واپس گرایی برای حفظ رژیم استبدادی حاکم است. هراس سران رژیم نیز از همین است که دانشجویان با درک روشن این موضوع، خواهان برکناری او و طرد رژیم «ولایت فقیه» شده اند.

هم میهنان غیور و مبارز!

امروز دفاع از جنبش دانشجویی میهن، یک وظیفه انسانی، ملی و انقلابی است. پیروزی نبرد دانشجویان راه گشای آینده بی است که میهن ما در آن از بند های ظلم و استبداد قرون وسطایی حاکم رها شود. عدم حمایت وسیع از این جنبش این خطر را در بر دارد که ارتجاع با تکیه بر امکانات اهریمنی خود این جنبش را سرکوب کرده و بار دیگر سکوت قبرستانی را بر میهن ما حاکم کنند. حزب توده ایران از خواست های برحق دانشجویان پیرامون آزادی برای کلیه زندانیان سیاسی ایران، آزادی اندیشه و مطبوعات، محاکمه علنی عاملان و آمران جنایت اخیر و قتل دگرانديشان، رفع حصر از روحانیون دگر اندیش، همچون آیت الله منتظری و پاسخگویی قوه قضائیه و مسئول آن محمد یزدی، حمایت می کند و اعتقاد عمیق دارد که این خواست ها خواست اکثریت قاطع مردم محروم و زجر کشیده میهن ماست.

هم میهنان مبارز، دانشجویان دلاور و پیکارگر

میهن ما لحظات حساس و سرنوشت سازی را از سر می گذراند. آتش مبارزه بی که شما افروخته اید، می تواند در صورت پیکار سازمان یافته، منسجم و متحد توده ها، به آن جنبش عظیم اجتماعی بدل شود که بساط استبداد در میهن ما را درهم بپیچد. ارتجاع بی شک مترصد است که با انواع و اقسام حيله ها، از جمله تهدید، تطمیع، امتیاز دادن و عقب نشینی، و در آخرین تحلیل و در صورتی که جنبش توده ای نشود، سرکوب خونین، شرایط ادامه حیات خود را فراهم آورد. باید با هوشیاری، حفظ اتحاد و انسجام و پرهیز از چنددستگی امر مبارزه برای آزادی را تا تحقق آن به پیش برد. گسترش هرچه فراگیر تر توده ای تظاهرات و اعتراض های ضد استبدادی و تلاش برای سازمان دهی جلب حمایت مردمی از این حرکت، یگانه راه مطمئن بیمه کردن این جنبش است. جنبش دانشجویی تنها با پیوستن وسیع توده های کار و زحمت به آن است که می تواند به نیروی شکست ناپذیری تبدیل شود و سرانجام استبداد حاکم را در مقابل خواست های خود به زانو در آورد. حزب توده ایران با تمام وجود از این جنبش ضد استبدادی حمایت می کند و از همه نیروهای مترقی، ملی و آزادی خواه میهن می خواهد تا دست در دست هم، مبارزه برای استقرار آزادی را به پیش ببرند. تظاهرات، تحصن، اجتماعات برای پشتیبانی از خواست های دانشجویان از جمله اشکال گوناگون مبارزه است که می توان و باید به کار گرفت.

درد آتشین به دانشجویان مبارز دانشگاه تهران و سایر دانشگاه های

کشور!

تنگ و نفرت بر ارتجاع حاکم و مزدوران و پاسداران تاریک اندیشی و

استبداد!

پیروز باد مبارزه خلق برای آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم

ولایت فقیه!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۱ تیرماه ۱۳۷۸

● رسیدگی به جنایات اخیر دانشگاه تهران و پرونده های قتل و ترور دگرانديشان جز با رسیدگی به عملکرد نهاد «ولایت فقیه» و شخص «ولی فقیه» به عنوان فرمانده کل نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی ممکن نیست؛

● همبستگی مردمی با جنبش دانشجویی يك وظیفه درنگ ناپذیر و انقلابی است؛

● خواست دانشجویان از جمله آزادی همه زندانیان سیاسی، آزادی مطبوعات، و رسیدگی به جنایات اخیر، خواست همه نیروهای ملی و مترقی میهن ماست.

هم میهنان مبارز!

دانشجویان دلاور و پیکارگر میهن ما، پنج روز است که در سنگر های دفاع از آزادی و احقاق حقوق پایمال شده میلیون ها ایرانی می رزمند و با وجود یورش های مداوم و متعدد گزندگان و پاسداران ارتجاع و استبداد، و تلفات انسانی، در این نبرد نابرابر، همچنان به مبارزه غرور آفرین خود ادامه می دهند.

خروش هزاران دانشجوی مبارز در تهران، تبریز، مشهد، شیراز، اصفهان، کرمان، یزد، کرمانشاه، همدان، سیستان و بلوچستان، قزوین، یاسوج و دیگر شهرهای ایران، پایه های استبداد حاکم را به شدت به لرزه در آورده است، و ارتجاع هراسناک از عاقبت کار، ضمن ادامه تهدیدها و تهمت زدن به جنبش دانشجویی، و از جمله متهم کردن آنان به «عامل» خارجی بودن، تلاش می کند تا شعله های خشم دانشجویان را خاموش کرده و از گسترش و تبدیل شدن حرکات اعتراضی آنان به جنبشی سراسری و توده ای جلوگیری کند. یورش مزدوران رژیم در روز دوشنبه به دانشجویان، در میدان ولی عصر تهران و در تبریز، که شماری کشته و زخمی برجای گذاشت، بار دیگر نشان می دهد که با وجود قول های داده شده، نیروهای انتظامی رژیم مسئولیتی جز سرکوب آزادی خواهی ندارند و تنها وظیفه شان نه حفظ «امنیت ملی» آن طور که خامنه ای، ولی استبداد، مدعی آن است، بلکه حفظ رژیم فاسد و ضد مردمی «ولایت فقیه» است.

دانشجویان بدرستی در شعارهای خود بر این حقیقت انگشت گذاشته اند که: «انصار جنایت می کند، رهبر حمایت می کند». سخنان امروز خامنه ای نیز، بجز چند شعار توخالی و عوام فربانه در نگوئش یورش به دانشجویان، و در بخش عمده آن حمله به جنبش دانشجویی و دانشجویان مبارز و دفاع از نیروهای انتظامی چیز دیگری نبود. مردم ایران و خصوصاً دانشجویان ما فراموش نکرده اند که خامنه ای در گذشته بی نه چندان دور جنبش روشنفکری و طبیعتاً جنبش دانشجویی ایران را جنبشی «بیمار» لقب داد و شخص او بود که زیر شعار «مبارزه با تهاجم فرهنگی» نیروهای مزدور و چماق دار را به یورش به جنبش دانشجویی کشور تشویق کرد. حزب توده ایران در ده سال گذشته مرتباً بر این نکته تأکید کرده است که رژیم «ولایت فقیه» عامل همه بدبختی ها در میهن ماست. «ولایت فقیه» یعنی حکومت استبدادی مطلق یک فرد بر تمام شئون و حیات جامعه. ما باز هم بر این نکته تأکید می کنیم که با ادامه رژیم «ولایت فقیه»، یعنی رژیم استبدادی، نمی توان به استقرار آزادی و عدالت اجتماعی در ایران خوشبین بود. نهاد «ولایت فقیه» امروز در ایران، سد اساسی هرگونه تحول بنیادین، دموکراتیک و پایدار است. امروز اگر کسی در ایران باید پاسخگویی اعمال و جنایات نیروهای انتظامی و مزدوران «انصار حزب الله» باشد، این رژیم «ولایت فقیه»، و سران آن یعنی خامنه ای ها، رفسنجانی ها، یزدی ها و جنتی ها هستند که مرکز اعمال قدرت کلان سرمایه داری تجاری و انگلی ایران و واپس گرا ترین و ارتجاعی ترین نظرات در قشر روحانیت اند، و خصوصاً، شخص «ولی فقیه» به عنوان فرمانده کل قوا است، که تمام عملکرد نیروهای انتظامی، خصوصاً حرکات حساس و

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامهٔ پا به پای دانشجویان در سنگرهای پیکار ...

ددمنشانهٔ انصارحزب الله که پشت گارد ضدشورش نیروهای انتظامی پنهان شده بودند.

جنایت هولناک

جمعه ۱۸ تیرماه (سپیده دم) دانشجویان به کوی دانشگاه بازگشته اند. تعدادی به خوابگاه رفتند و تعدادی در مقابل کوی دانشگاه تجمع کرده اند. عده بی با لباس شخصی به دانشجویان حمله می کنند. تعداد دانشجویان فزونی می گیرد، مبارزه تا ساعت چهار و سی دقیقه بامداد ادامه می یابد. در این هنگام نیروهای فاشیستی، انتظامی و انصارحزب الله، که زیر نظر مستقیم «ولایت فقیه» عمل می کنند، وارد کوی دانشگاه می شوند. اطلاعیه وزارت فرهنگ و آموزش عالی می گوید: تظاهرات جمعی از دانشجویان در محوطه کوی دانشگاه و در مقابل آن در حالی که بامدیریت مسئولان دانشگاهی رو به اتمام بود، با مداخله خشونت آمیز نیروهای انتظامی به حادثه ای تلخ و تاسف بار تبدیل شد. در این حادثه که در نوع خود بی نظیر بود حرمت ها و حریم ها شکسته شده است که بازسازی آنها به سادگی مقدور نخواهد بود... ورود به محوطه کوی دانشگاه بدون اجازه، شکستن در اتاق ها، تخریب، انهدام لوازم شخصی دانشجویان و وسایل عمومی دانشگاه، آتش زدن اتاق ها، ورود به ساختمان دانشجویان خارجی، و ضرب و شتم آنان و تخریب وسائشان. شلیک گلوله و پرتاب کردن دانشجویان از پنجره اتاق و به قتل رساندن تعدادی از آنان. سوزاندن کتاب ها و عکس ها، عکس های خاتمی و شرعیتی هم نیم سوخته شده اند. تعداد مضروبان و مجروحان بیش از دویست نفر برآورد می شود. اما کشته شدگان موضوع تازه بی ست. از یک تاهفت روایت کرده اند. «هجده تیرماه در تاریخ ثبت شد.» تعداد زیادی از دانشجویان دستگیر شدند.

پرچم خونین: ۱۸ تیر، ۱۶ آذرماست!

شنبه ۱۹ تیرماه. تجمع کنندگان مقابل دانشگاه تهران، پس از پایان تحصن اعتراض آمیز خود، در مقابل کوی دانشگاه تهران تجمع کرده، از این مکان به سوی وزارت کشور و سپس نهاد ریاست جمهوری حرکت کردند. دانشجویان معترض از ساعت ۱۵/۳۰ در حالی که در طول مسیر شعارهای مختلفی سر می دادند، به سوی کوی دانشگاه تهران حرکت کردند. در مقابل کوی دانشگاه یکی از اعضای انجمن اسلامی دانشگاه تهران، تجمع کنندگان را به داخل محوطه خوابگاه فراخواند تا گزارش حوادث دو روز گذشته را به حاضران ارائه کند. اما دانشجویان با مخالفت با این درخواست به دادن شعار پرداختند: برادر شهیدم، راهت ادامه دارد، دانشجویان دانشجویان راهت ادامه دارد، این سنج جنایت استبداد، ۱۸ تیرماه، ۱۶ آذرماست، دانشجوی مبارز شهادت مبارک، ای ملت باغیرت، حمایت حمایت. دانشجویان سپس خواستار حضور رئیس جمهوری در میان خود شدند. تجمع کنندگان هم چنین به دادن شعارهایی پرداختند مانند: دادگاه ویژه منحل باید گردد و خون شهیدمی جوشد، دانشجویی خروشد. در مقابل کوی دانشگاه تهران پرچم سیاهی که بر آن حمله ماموران و گروه فشار به کوی دانشگاه محکوم شده بود، دیده می شد. دانشجویان افزون بر این، شعارهایی بر ضد فلاحیان وزیر اسبق اطلاعات، صدا و



دانشجوی مبارزی که اسیر گزمگان استبداد شده است

سیماء، و روزنامه های رسالت و کیهان می دادند: چراغ لاریجانی خاموش باید گردد، و طالبان طالبان دانشگاه اراهاکن. سپس دانشجویان به سمت وزارت کشور حرکت کردند. در طول این مسیر دانشجویان دانشگاه آزاد نیز به تظاهر کنندگان پیوستند. دانشجویان عکس هایی از خاتمی، طالقانی و شرعیتی در دست داشتند. با سر دادن شعار «خاتمی خاتمی واکنش واکنش» خواستار عکس العمل رئیس جمهوری در قبال حوادث دو روز گذشته شدند.

سنگرهای دیگری که گشوده می شود

اعتراض دانشجویان بسرعت به شهرهای دیگر ایران گسترش می یابد. ارتجاع شدیداً به وحشت و هراس افتاده است. در زنجان دانشجویان مجلس ترحیمی برای شهدای به خون خفته جنبش برگزار می کنند و نام آن را «گرامی داشت کبوتران خونین بال کوی دانشگاه تهران» می گذارند. معترضان سپس در خیابان منتهی به دانشگاه آزاد زنجان دست به راه پیمایی می زنند. در مشهد نیز دانشجویان به جوش و خروش آمده اند. دانشجویان دانشگاه فردوسی همبستگی خود را با پیکار دانشجویان دانشگاه تهران اعلام می کنند. دانشجویان در محوطه دانشکده علوم پزشکی تجمع کرده اند و بر ضد نیروهای امنیتی و سرکوبگر شعار می دهند. دانشجویان به خشم آمده سپس در مسیر دانشکده علوم پزشکی مشهد تا میدان تقی آباد به راه پیمایی می پردازند. در سیستان و بلوچستان نیز دانشجویان در اعتراض به خیابان ها می ریزند. اعلامیه دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان ضمن محکوم کردن ارتجاع حاکم، بدرستی سؤال می کند: «چه ارتباطی بین عوامل خردسدر در وزارت اطلاعات و یکی از خطیبان نماز جمعه تهران وجود دارد که یک هفته پس از حمله به اتوبوس توریست های آمریکایی توسط عاملان قتل های زنجیره ای آن را اقدامی مردمی و انقلابی قلمداد می کند... و نیز امروز چه ارتباطی بین نیروهای انتظامی و گروه های فشار وجود دارد که گروه های فشار زیر چتر حمایتی نیروهای انتظامی شبانه به خوابگاه دانشجویان حمله ور شده و با به شهادت رساندن و مجروح کردن دانشجویان روی ساواک و هیتلرها و صدام ها را سفید کردند...» در لرستان نیز دانشجویان در همبستگی به حرکت در می آیند. در شاهرود دانشجویان معترض در مسجد محل جمع شده اند. یکی از دانشجویان سخنران می پرسد ما می خواهیم بدانیم متخلفان از اصل ۳۲ قانون اساسی که آزادی های مشروع افراد را سلب می کنند، کی و چگونه مجازات می شوند. در کرمان، هرمزگان، یزد و ولی عصر رفسنجان، مرکز تکنولوژی پیشرفته کرمان، و دانشگاه رازی و علوم پزشکی کرمانشاه نیز دانشجویان حرکت های غرور آفرینی از همبستگی با دانشجویان دانشگاه تهران سازمان دهی می کنند.

و آنگاه خونریزی در تبریز:

زمان: یکشنبه شب. محل: دانشگاه تبریز. دانشجویان دانشگاه تبریز و علوم پزشکی در اعتراض به وقایع تهران اقدام به تحصن در درون محوطه دانشگاه کرده اند. نیروهای امنیتی و جاقو کشان «ولی فقیه»، مسلح به باتون، کلت های کمری، بی سیم و میله های آهنی، با همکاری نیروهای امنیتی، وزارت اطلاعات، سپاه و بسیج، دانشجویان یورش می برند. مهاجمان با پرتاب سنگ وارد محوطه دانشگاه می شوند، و وحشیانه دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار می دهند. دانشجویان همچنان شعار می



دست ها و مشت های خونین - تهران ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸

ادامه پا به پای دانشجویان در سنگرهای پیکار ...

دهند، و درگیری‌ها شدید است. نزدیک به صد نفر از دانشجویان زخمی می‌شوند. نیروهای امنیتی با اسلحه گرم به روی دانشجویان آتش می‌کشایند. مزدوران «ولی فقیه» در تعقیب دانشجویان وارد بیمارستان خمینی شده و به پرسنل پزشکی بیمارستان یورش برده و دانشجویان زخمی را دستگیر و با خود می‌برند. وحشی گری «سربازان گمنام امام زمان»، و مزدوران «ولی فقیه» روی سیاه‌کارت‌ترین جنایت کاران را سفید کرده است. روز بعد دانشجویان تبریز باز در اعتراض به این جنایات به خیابان‌ها آمده‌اند.

و پایان خونین نبرد

تهران، میدان ولی عصر - دانشجویان دانشگاه تهران باردیگر در اعتراض به خشونت وحشیانه مزدوران «ولی فقیه» به میدان آمده‌اند. شعارهای «مرگ بر استبداد» فضای خیابان‌های اطراف را پر کرده است. دانشجویان معترض بر ضد «ولی فقیه» و نقش جنایتکارانه او در سرکوب آزادی، شعار می‌دهند. گزمگان بزدل تاریک اندیشی، در پناه مأموران تا بن دندان مسلح امنیتی، به دانشجویان بی سلاح و بی پناه هجوم می‌آورند. صحنه‌ها آن قدر تکان دهنده است که خبرنگار همشهری می‌نویسد: «در تمامی خیابان‌های اطراف دانشگاه نیروهای با لباس شخصی که به باتوم، دست بند و اسلحه کمربندی مسلح بودند به مردم هجوم می‌بردند و آنها را تک می‌زدند. این تهاجم به حدی وسیع بود که خبرنگار ما امکان تماس با روزنامه را نداشت... بیش از ۷۰ نفر از مجروحان این حادثه در مسجد دانشگاه که به دلیل گاز گرفتگی و ضربات باتوم و گلوله زخمی شده‌اند بستری هستند اما هیچگونه امکانات دارویی و پرستاری وجود ندارد و دانشجویان پزشکی بدون هیچگونه وسیله‌ای در صدد انجام کمک‌های اولیه هستند. درگیری نیروهای مهاجم مسلح با مردم، به خیابان‌های فلسطین، آناطول فرانس، ابو ریحان، فخر رازی، ۱۲ فروردین و ۱۶ آذر می‌رسد و تا ساعت ۹ شب ادامه دارد...» و آنگاه آن، توطئه شوم ارتجاع. روز سه شنبه مزدوران جنایتکار به خیابان‌ها می‌آیند تا با مضروب کردن مردم، آتش زدن وسایل نقلیه و مکان‌های عمومی زمینه و بهانه‌ی شبه کودتای ارتجاع را فراهم آورند. «برخورد قاطع با ضد انقلاب»، «اراذل و اوباش» اسم رمز عملیات نیروهای سرکوبگر برای درهم کوبیدن قیام دانشجویان است. یورش به خانه‌های دانشجویان و نیروهای مترقی آغاز می‌شود. گزمگان مسلح به مسلسل شبانه صدها نفر را دستگیر و چشم‌بند به چشم به شکنجه‌گاه‌ها می‌برند، و «ولی فقیه» و انصار استبداد، مست از پیروزی، عربده «منکوب کنید» و «مرعوب کنید» سر می‌دهند، و آنگاه هجوم مدافعان ارتجاع به خیابان‌های تهران برای قدرت‌نمایی. این‌ها مردم ما نیستند. و اینک دردنامه‌ی بی‌جمع بندی‌ی از نبرد خونین و غرور آفرین فرزندان رشید خلق ما در نامه‌ی دردناک یک دانشجوی دانشگاه تهران به سردبیر روزنامه «نشاط»: «آنچه از روز شنبه در ذهن من حک شده است تنهایی دانشجویان در پشت آن درهای بسته بود. نگاه‌هایی که کسی را می‌جستند و از او اثری. آری به دنبال خاتمی بودند نه برای آنکه توضیح دهد، نه برای آنکه کاری بکند، بلکه برای آنکه حرف‌هایشان را بشنود برای آنکه بغض‌های شان را بشکند... چاره این کارها را در آنچه امروز در خیابان‌های شهر اتفاق افتاده است نمی‌بینم؟ ولی شما قضاوت کنید. وقتی کسانی این حادثه را محکوم می‌کنند که فجایع کوی دانشگاه محصول بوسه‌هایشان بر دست انحصار گران است. وقتی دو روز از حادثه کوی دانشگاه گذشت و حتی یک تسلیت رسمی از سوی محبوب‌ترین افراد به دانشجویان داده نشد تا آنها بدانند در غم آنها شریکی هست. وقتی خواستند ننگ حرمت‌های شکسته شده و خون‌های ریخته شده را با توبیخ ساده چند مسئول بشویند، وقتی هنوز برای سرکوب حرکت‌های پراکنده دانشجویی از حرکت‌های اصلاح طلب مجوز سلاخی آنها را در خیابان‌ها به بهانه اقدام علیه امنیت ملی بیابند، وقتی باز برای توجیه ریشه‌های ناآرامی‌ها به دست‌های پنهان بیگانگان متوسل می‌شوند و در یک کلام علی‌رغم محکوم کردن‌ها و ابراز اندوه‌ها حاضر به ذره‌ای عقب نشینی از منطق خشونت طلب خود نیستند و در مقابل همه اینها پاسخگو بل شونده‌ای نیست. واقعا چاره چیست؟»

مبارزه ادامه دارد

اگر چه استبداد خون‌ریز، در پرتو خشونت گزمگان مسلح اش، و سکوت و مماشات طلبی «اصلاح طلبان» دولتی توانست پیکار قهرمانانه دانشجویان را در هم کوبد، و باز هم به حیات ننگین خود ادامه دهد، ولی سنگرهای مبارزه، بزرگ‌ترین دانشگاه پیکار است. هزاران دانشجویی که در این روزهای دشوار و سیاه زمبندند، زخمی شدند و یا اکنون اسیر دست‌های اهریمنی کارگزاران شکنجه‌گاه‌های رژیم



«مرگ بر استبداد، آزادی اندیشه همیشه، همیشه»

«ولایت فقیه» اند، کادرهای آینده جنبشی خواهند بود که دیر یا زود ارتجاع واپس‌گرا و ضد مردمی حاکم را به زیر خواهند کشید و راه استقرار آزادی و عدالت اجتماعی در میهن ما را خواهند گشود. پیکار دانشجویان، حصارها را شکست و نقاب آزاد اندیشی و دموکرات منشی بسیاری از مدعیان را از صورت آنها برگرفت. دولت خاتمی با مهر تأیید زدن بر سرکوب دانشجویان، مانند همه مماشات گران پیش از آن راه را برای سرکوب خود نیز باز کرد. امروز دانشجویان سرکوب می‌شوند، ولی هدف نهایی طرح خونین «تابستان» درهم کوبیدن جنبش آزادی خواهی مردم میهن ماست. برای ارتجاع افسار گسیخته، خاتمی و دولت او اگر تن به تسلیم کامل در مقابل خواست‌های آنان ندهند، زایده‌ای است که با تجربه امروز می‌توان آن را نیز از بیخ و بن کند. در اوضاع و احوالی که بازار انگ «ضد انقلابی» و «مفسد» و «مخارب» گرم است، و وزارت اطلاعات دولت خاتمی، همانند سال‌های ۶۰، و یورش جنایتکارانه رژیم به نیروهای دگراندیش، با دادن شماره تلفن «از مردم» می‌خواهد «عناصر آشوب طلب» را معرفی کند، هیچ کس حتی دولتمردان کابینه خاتمی نیز، امنیت نخواهند داشت. آنچه امروز بر ایران حاکم است، حکومت چاقو کشان و مزدوران ارتجاع و همان همکاران سعید امامی‌ها، فلاحیان‌ها، لاجوردی‌ها، حسینیان‌ها و دیگر جلادان رژیم اند، که خیابان‌ها را قرق کرده‌اند، آزادی خواهان را شکار می‌کنند، و در این میانه، شکنجه‌گران دیگر بار جسم انسان‌ها را در هم می‌کوبند تا روح شان را تسخیر کنند و آنگاه آنان را با چهره‌های مسخ شده به پای فرستنده‌های تلویزیونی کشانند تا ادعای «دخالت بیگانگان» را به اثبات برسانند.

میهن ما روزهای تاریخی را پشت سر گذاشت. پایه‌های حکومت استبدادی به لرزه افتاد، و خلق از این نبرد توشه‌ی بی‌بزرگ برای پیکار نهایی اندوخت. پیکار دانشجویان نشان داد که، رژیم «ولایت فقیه» تضادی آشفتنی ناپذیر با آزادی و جامعه مدنی دارد. رژیم «ولایت فقیه»، یعنی رژیم حاکمیت استبدادی مطلق یک فرد بر فراز قانون، بر فراز اراده میلیون‌ها ایرانی. و آنگاه سئوال اساسی: چه باید کرد؟ تجربه پیکار دانشجویان، همان طوری که ما بارها تأکید کرده بودیم، نشان داد که جنبش نیازمند رهبری، برنامه و سازمان دهی است. بدون رهبری منسجم، بدون حمایت مردمی، خصوصاً کارگران و زحمتکشان، نمی‌توان ارتجاع را ریشه کن کرد. پاسخ روشن است. مبارزه ادامه دارد. مبارزه تا پیروزی آزادی بر استبداد توقف ناپذیر است. شکست در یک سنگر، پایان کار نیست. خلق بی‌شک پیروز خواهد شد. برای آن روز، با توشه تجربه امروز، باید از هم اکنون کار را با پیگیری و تلاش جدی تری گرفت.

**درور پر شور به همه مبارزان راه آزادی
که در بندهای رژیم استبدادی اسیرند!**

**ننگ و نفرت بر ارتجاع حاکم و مزدوران و
پاسداران تاریک اندیشی و استبداد!**

اعلامیه شماره ۳ کمیته مرکزی حزب توده ایران

دیكتاتور فرمان سرکوب خونین دانشجویان و دیگر آزادی خواهان را صادر کرد

هم میهنان آزاده و مبارز،

سید علی خامنه ای، «ولی فقیه»، رژیم استبداد و ضد مردمی، شامگاه سه شنبه ۲۹ تیرماه، فرمان سرکوب خشن و بی رحمانه جنبش دانشجویی و آزادی خواهان میهن ما را صادر کرد. در پیامی که از رادیو و صدا و سیما جمهوری اسلامی پخش شد، «ولی» استبداد و رهبر تاریک اندیشی و ارتجاع از چاقو کشان و مزدوران مسلح زیر فرمانش خواست تا: «با درایت و قدرت عناصر مفسد و محارب را برجای خود بنشانند» و از «فرزندان بسیجی» اش خواست «با حضور در هر صحنه ای که حضور آنان در آن لازم است، دشمنان زبون را مرعوب و منکوب سازند». در پی این فرمان بود که امروز در تهران ده ها هزار پاسدار، بسیجی، مأموران وزارت اطلاعات و مزدوران و چاقو کشان انصار حزب الله به خیابان ها ریختند تا حمایت خود را از این فرمان جنایتکارانه و ضد انسانی اعلام کنند. در این مراسم، حسن روحانی، دبیر شورای امنیت ملی و از کارگزاران استبداد، انحصار و تاریک اندیشی، از دادگاه ها خواست تا دستگیر شدگان، یعنی صدها دانشجو و مردم آزادی خواه را به جرم «محارب و مفسد»، محاکمه و به اشد مجازات، یعنی اعدام محکوم کنند.

در هفت روز گذشته ایران صحنه حوادث سهمگین و تکان دهنده ای بوده است. مزدوران تاریک اندیشی، نیروهای انتظامی رژیم «ولایت فقیه»، هفت روز است که بر دانشجویان پیکارگر و دلیر میهن ما و مردم آزادی خواهی که به دفاع از آنان برخاسته اند، می تازند، می کشند، می ربایند و آن وقت این مردم و دانشجویان هستند که به «خشونت طلبی» متهم می شوند. حمله به مردم عادی، مکان های عمومی و دامن زدن به جو ناامنی و ارباب در روز سه شنبه ۲۹ تیرماه نقشه شوم نیروهای امنیتی و ارتجاع حاکم برای زمینه سازی سرکوب خونینی بود که سید علی خامنه ای فرمان آن را قبلاً نوشته بود. مردم به حق می پرسند که سکوت و حمایت ضمنی دولت خاتمی از عریبه های «منکوب» و «مرعوب» کنید و «تکه تکه کردن» مخالفان، چه معنایی جز هم صدا و همگام شدن با سرکوب وحشیانه جنبش دانشجویی و آزادی خواهان می تواند داشته باشد. مردم و دانشجویان می پرسند مگر آقای خاتمی نمی داند چه کسانی سازمان دهندگان خشونت و ترور در ایران هستند که امروز دانشجویان و نیروهای دگراندیش در مظان اتهام قرار گرفته اند. مگر مأموران امنیتی نبودند که شبانه به خوابگاه دانشجویان حمله کردند و آن جنایات تکان دهنده را مرتکب شدند؟ مردم می پرسند مگر همین نیروهای وزارت اطلاعات و سرکوب نبودند که پروانه و داریوش فروهر، مختاری، یوننده و شریف را به قتل رساندند و آن وقت «ولی فقیه» و مدافعان حکومت استبداد این اعمال را به «عوامل خارجی» نسبت دادند؟ نتیجه این سکوت و تسلیم شدن در برابر خواست «ولی فقیه» و انصار «استبداد» در دو روز گذشته، دستگیری نزدیک به هزار فعال و کادر جنبش دانشجویی است که در یورش به خانه هایشان و یا در خیابان ها ربوده شده و به شکنجه گاه های رژیم برده شده اند. این دستگیری ها در کنار پیگرد دگراندیشان، از جمله نویسندگان مترقی و دستگیری خسرو سیف، سخنگوی حزب ملت ایران، به همراه همزمانش، مهندس بهرام نیازی و مهرا میر عبدالباقی کاشانی، از فعالان این حزب در جنبش دانشجویی نیز بخش دیگری از توطئه واحدی است که هدفش سرکوب کامل جنبش آزادی خواهانه در میهن ماست. به عبارت دیگر «مقابله با اراذل و اوباش و ضد انقلاب» اسم رزم عملیات ارگان های سرکوب برای دستگیری، محاکمه نظامی و کشتار آزادی خواهان است که در چند روز گذشته در ابعاد کم سابقه ای در میهن ما در جریان است.

هم میهنان آگاه و مبارز،

تجربه تاریخی نشان داده است که اگر در مقابل این ترغندها و یورش های ارتجاع مقاومت توده ای انجام نگیرد، ارتجاع خواهد توانست برنامه های شوم خود را به تمام و کمال به اجرا درآورد. هزاران مبارز آزادی خواه در سراسر ایران دستگیر و روانه شکنجه گاه ها و دادگاه های نظامی رژیم شده اند. اتهام «محارب و مفسد» به مبارزان راه آزادی، یعنی صادر کردن حکم اعدام برای آنان. مردم ما خوب بیاد دارند که در تابستان ۱۳۶۷ نیز هزاران انسان آزادی خواه و مبارز به «محارب» و «مفسد» بودن متهم شدند و در عرض چند هفته به وحشیانه ترین شکل ممکن قتل عام شدند.

ما از همه مردم آزادی خواه میهن، روزنامه نگاران مستقل، با وجدان و انسان دوست، شخصیت های سیاسی - اجتماعی کشور و نیروهای مذهبی که حساب خود را از این جنایات جدا کرده اند می خواهیم تا تمام امکانات و توان خود را برای آزادی زندانیان سیاسی به کار گیرند. بر اساس گزارش هایی که به ما رسیده است کارزار سرکوب رژیم تازه در مراحل ابتدایی آن است و برنامه گسترده ای برای دستگیری و پیگرد فعالان جنبش دانشجویی، دگراندیشان، نویسندگان، روزنامه نگاران، فعالان سیاسی، زندانیان سیاسی آزاد شده و هرکس که «خطری» برای ادامه رژیم «ولایت فقیه» محسوب شود تدارک دیده شده است. این نقشه شوم را تنها با مقاومت و مبارزه مشترک می توان با شکست روبه رو کرد. اگرچه ارتجاع جنگ و دندان نشان داده است و بازوی مسلح خود را با تمام توان به کار گرفته ولی مبارزه پایان نیافته و جنبش شکست نخورده است. می توان با اعتراض به این اعمال، با بسیج افکار عمومی و مقاومت روند حوادث را به نفع جنبش مردمی تغییر داد.

حزب توده ایران در ده سال گذشته مرتباً بر این نکته تأکید کرده است که رژیم «ولایت فقیه» یعنی حکومت استبدادی مطلق یک فرد بر تمام شئون و حیات جامعه سد اساسی هرگونه تحول بنیادین، دموکراتیک و پایدار در ایران است. حوادث هفت روز اخیر محکم ترین سند در اثبات این مدعی است و پاسخی است به کسانی که تصور می کردند می توان جامعه مدنی و آزادی را با استبداد قرون وسطایی و خشن بیوند زد و از این طریق ایران را به سمت اصلاح اجتماعی و تغییرات تدریجی به سمت دموکراسی پیش برد.

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن یورش وحشیانه مزدوران استبداد و ارتجاع، خواهان آزادی بدون قید و شرط صدها زندانی سیاسی، رهبران، کادرها و فعالان دانشجویی و همچنین اعضای رهبری حزب ملت ایران است. حزب توده ایران از همه نیروهای آزادی خواه و انسان دوست در سراسر جهان می خواهد تا صدای اعتراض یکپارچه خود را بر ضد موج سرکوب آزادی خواهان در ایران بلند کنند. نباید اجازه داد تا ارتجاع و استبداد قرون وسطایی حاکم بار دیگر گروه کثیری از آزادی خواهان میهن ما را کشتار کند.

دروغ پر شور به همه مبارزان راه آزادی که در بندهای رژیم استبدادی اسیرند!
ننگ و نفرت بر ارتجاع حاکم و مزدوران و پاسداران تاریک اندیشی و استبداد!
پیروز باد مبارزه خلق برای آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم
«ولایت فقیه»!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۴ تیرماه ۱۳۷۸



همیاری سوسیالیستی در مقابله با امپریالیسم

کوبا و ویتنام، در روز ۲۳ تیرماه، استراتژی خشن و مداخله گرانه پیمان ناتو را محکوم کردند و خواهان سازمان ملل متحد متکی به روابط دموکراتیک شدند. بیانیه مشترک دبیر کل حزب کمونیست ویتنام، له خافیزو، و رئیس جمهوری کوبا، فیدل کاسترو، در پایان بازدید رسمی یک هفته ای هیئت عالی رتبه ویتنامی از کوبا منتشر شد. بیانیه خاطر نشان می کند: «دو طرف قویاً مفهوم استراتژی جدید ناتو، که متوجه ایجاد یک حق ساختگی برای مداخله در هر جایی است، مردود می شمارند.» دو رهبر حملات ناتو به یوگسلاوی را در تناقض با هدف سازمان ملل به حفظ صلح در جهان دانستند. کوبا و ویتنام اهمیت احترام به سازمان ملل متحد را مورد تاکید قرار داده و خواستار استقرار روابط دموکراتیک در آن شدند. رهبران دو کشور متحد سوسیالیستی گفتند که آنها «در تقابل با تمایل آنانی که سعی به کنترل سازمان ملل دارند، مبارزه خواهند کرد.»

بیانیه به صراحت ایالات متحده و متحدان غربی آن را که درصدد کنترل سازمان ملل و شورای امنیت آن، به منظور پیش بردن منافع استراتژیک خود اند، مورد حمله قرار داد. بیانیه ضمن اشاره به حمایت متقابل دو کشور سوسیالیستی، که کارنامه درخشانی در مبارزه بر ضد امپریالیسم آمریکا دارند «همبستگی بر پایه اصول مارکسیسم لنینیسم» را مورد تاکید قرار دادند. ویتنام همچنین خواستار پایان تحریم طولانی و غیر قانونی کوبا توسط ایالات متحده گردید. بازدید از کوبا، اولین مسافرت رفیق له خافیزو، که ۱۸ ماه قبل به دبیر کلی حزب کمونیست ویتنام انتخاب شد به خارج از جنوب شرقی آسیا بود. بازدید از کوبا فرصتی بود برای تقویت روابط اقتصادی دو کشور سوسیالیستی. در حال حاضر میزان مبادلات تجاری میان دو کشور در حدود ۱۰۰ میلیون دلار است. ویتنام برنج، دوجرخه و ذغال به کوبا صادر می کند و در مقابل از مهارت ها و محصولات کوبا در صنعت شکر و فرآورده های بهداشتی و بیوتکنولوژیک بهره مند می شود.

ترکیه - عراق - و حقوق بشر

ساعاتی پس از آخرین حمله هوایی جنگنده های آمریکایی به اهداف خود در شمال، عراق ویلیام کوهن، وزیر دفاع ایالات متحده، در روز ۲۳ تیرماه از پایگاه هوایی اینچرلیک در جنوب ترکیه بازدید کرد. یک سخنگوی وزارت دفاع آمریکا مدعی شده که

جنگنده های آمریکایی با بمب های هدایت شونده لیزری به «یک مرکز فرماندهی و کنترل در غرب موصل» حمله کرده اند. از آذر ماه سال گذشته که عراق اعلام کرد فعالانه به مخالفت با سیاست آمریکا و انگلیس در اعمال سیاست «محدوده پرواز ممنوع» در شمال و جنوب این کشور خواهد پرداخت، جنگنده های آمریکایی مرتباً به ایستگاه های رادار و نیز مواضع استراتژیک نیروهای عراق در شمال این کشور حمله کرده اند. ویلیام کوهن، در روز ۲۴ تیرماه، در آنکارا با مقامات ترکیه در مورد اشغال شمال قبرس به مذاکره نشست.

● در ملاقاتی که در جریان اجلاس اخیر سازمان وحدت آفریقا میان وزیر خارجه عراق، محمد سعید الصحف و دبیر کل سازمان ملل، کوفی عنان، صورت گرفت، مسئله پایان دائمی تحریم های سازمان ملل بر ضد این کشور، و روابط عراق و این سازمان، مورد بحث قرار گرفت. الصحف تصریح کرد عراق هیچ چیزی غیر از اتمام کامل تحریم ها را نمی پذیرد، چرا که دولت بغداد به همه تعهدات خود در قبال قطعنامه های سازمان ملل عمل کرده است.

● مقامات ترکیه، در روز ۲۰ تیرماه، اعلام کردند که عملیات یک هفته ای واحدهای نظامی این کشور در شمال عراق پایان یافته است. ۱۰۰۰۰ سرباز ارتش ترکیه، که مورد حمایت جنگنده های مدرن و نیز هلیکوپتر های تهاجمی کبرا ساخت آمریکا بودند، در تهاجم همه جانبه خود به کردستان عراق، مواضع حزب کارگران کردستان را مورد حمله قرار دادند. تهاجم فرامرزی ترکیه، از طرف روسیه، ایران و دولت عراق محکوم گردید. ترکیه مدعی شده بود که، حمله اخیر برای جلوگیری از حملات انتقام جویانه چریک های حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) بوده است که رهبرشان - عبدالله اوجلان اخیراً در یک دادگاه ترکیه محکوم به مرگ شد.

● دادگاه حقوق بشر اروپا، در روز ۱۷ تیرماه، ترکیه را به دلیل ۱۱ مورد نقض حق آزادی بیان در رابطه با شهروندان کرد محکوم شناخت. دادگاه به سبب شکایت های ۱۱ تن که شامل روزنامه نگار، وکیل دعاوی حقوقی، رهبر سندیکایی، نویسنده، و معلم بود به جرم «تبلیغات جدایی طلبانه» در رابطه با انتشار بیانیه هایی به طرفداری از مردم کرد زندانی شده و یا جریمه شده بودند، تشکیل شده بود. رای دادگاه که در بروکسل بزرگوار می شد، یک هفته پس از اینکه یک دادگاه ترکیه عبدالله اوجلان، رهبر چریک های کرد حزب کارگران کردستان، را به مرگ محکوم کرد، صادر شد. دادگاه حقوق بشر اروپا به آنکارا دستور داد که به هر کدام از ۱۱ تن شاکلی ۵۰۰۰ دلار بپردازد، و نیز تمام هزینه های مربوط به دادگاه و وکلای مدافع شاکلیان را به عهده بگیرد. دادگاه مقرر داشت که ۱۱ نفر که در دادگاه نظامی ترکیه محاکمه شده بودند، محاکمه عادلانه ای نداشته اند.

حافظ اسد در مسکو

برای اولین بار در ۱۰ سال اخیر، حافظ اسد، رئیس جمهوری سوریه، در جریان یک سفر رسمی در روزهای ۱۶ و ۱۷ تیرماه، از مسکو بازدید کرد. قبل از فروپاشی سیستم سوسیالیستی در شوروی و شرق اروپا، سوریه یکی از نزدیک ترین متحدان شوروی در خاورمیانه محسوب می شد و روابط دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی میان دو کشور قابل ملاحظه بود. در سال های اخیر دولت روسیه زیر فشار ایالات متحده و کشورهای طرفدار اسرائیل که از سیاست رادیکال سوریه در رابطه با روند صلح خاورمیانه راضی نیستند، سعی به تقلیل سطح روابط داشته است. گفته می شود که سفر کنونی حافظ اسد برای تجدید و تقویت روابط میان سوریه و روسیه و نیز انعقاد قرارداد خریدهای تسلیحاتی بوده است. ولادیمیر پوتین، سخنگوی وزارت خارجه روسیه، گفت که، توجه اصلی مذاکرات میان دو کشور به «مسائل سیاسی بین المللی» و وضعیت در خاورمیانه، بالکان و عراق بوده است. او اشاره کرد که، گرچه همکاری های نظامی - تکنیکی در سطح کلی مورد بحث قرار گرفت، ولی این عرصه یکی «از عناصر مهم همکاری های سودمند دو جانبه» باقی می ماند.

مسکو در نظر دارد یک میلیارد دلار تسلیحات، از جمله هواپیماهای جنگنده میگ ۲۹ به سوریه بفروشد. ایالات متحده در روز ۱۶ تیرماه به روسیه اخطار کرد که، در صورت فروش تسلیحات به سوریه - کمک های خود به مسکو را قطع خواهد کرد. جرمی فولی، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد: «در رابطه با فروش تسلیحات، ما از فروش هرگونه اسلحه بی به سوریه، و یا هر کشور دیگری که به عنوان حامی تروریسم قلمداد می شود، خیلی نگران خواهیم بود.» در فروردین ماه ایالات متحده سه کمیته روسی را که اسلحه های ضد تانک به سوریه فروخته بودند، مشمول تحریم کرد. جرمی فولی اضافه کرد در صورتی که بازدید حافظ اسد از مسکو برای سرعت بخشیدن به روند صلح

خاورمیانه باشد، رخدادی مثبت قلمداد می شود.

افق صلح در آفریقا

با امضای یک قرار داد آتش بس از طرف ۶ کشور درگیر در جنگ های داخلی جمهوری دموکراتیک کنگو - در ۱۹ تیرماه - امید به پایان درگیری های تراژیک در این کشور، که بیش از یک سال در جریان بوده است، قدرت گرفت. لورنت کابیلا، رئیس جمهوری ترقی خواه جمهوری دموکراتیک کنگو، پس از امضا قرار داد آتش بس، در لوساکا پایتخت زامبیا، گفت: «آنچه که می می توانم بگویم اینست که امیدوار هستم.» فردریک چیلوبا، رئیس جمهوری زامبیا که نقش میانجی و مذاکره کننده اصلی را در رابطه با این توافقنامه به عهده داشت، آن را «طلوع یک عصر جدید برای آفریقا» دانست. در مراسم امضاء موافقتنامه، شورشیان ضد دولت کابیلا حضور نداشتند. انشعاب داخلی در میان شورشیان در ماههای اخیر مانع حضور یک هیأت نمایندگی که بتواند از سوی آنان در اجلاس سخن بگوید، شد. پزیدنت چیلوبا گفت که، او سعی خواهد کرد که پس از اتمام اجلاس سازمان وحدت آفریقا که در روز ۲۱ تیرماه در الجزایر آغاز شد، راهی برای حل اختلافات شورشیان کنگویی پیدا کند. پزیدنت لورنت کابیلا، در جریان اجلاس سازمان وحدت آفریقا یک فرمان عفو عمومی برای تمامی شورشیان اعم از نظامی و غیر نظامی، که بر ضد دولت او می جنگیده اند صادر کرد. وزیر دادگستری کنگو، مونزه کنگولو، که با کابیلا در الجزیره بود، در روز ۲۳ تیرماه به کنگو برگشت تا اسناد رسمی مربوط به عفو عمومی را تکمیل کند. یک مقام رسمی و عالی رتبه وزارت دادگستری گفت: «ما در حال تهیه متنی هستیم که بزودی امضاء خواهد شد.» رادبو فرانسه به نقل از مونزه کنگولو گفت: کابیلا «عفو عمومی، برای تمامی اعضای شورشیان، شامل سربازان، غیر نظامیان و سیاستمداران» اعلام کرده است.

وزرای خارجه کشورهای آفریقایی به پیمان های آتش بس در کنگو و سیرالئون خوش آمد گفتند. صدر شورای وزیران سازمان وحدت آفریقا، احمد عطای الجزایری، و دبیر کل این سازمان - سلیم احمد سلیم - گفتند که، آنها هر دو امیدوارند که پیمان های صلح پایان همیشگی برای درگیری ها به ارمنان بیاورد. سلیم احمد سلیم گفت: «من معتقدم که اجلاس ما در الجزایر باید فرصتی برای یک بررسی جدی پیرامون جنگی که به لحاظ شکل درگیرها در آفریقا در مقابل ما قرار دارد، فراهم آورد.»

امپریالیسم و سلاح های ژنتیکی

از دیر باز تحقیقات ژنتیکی در جهان پزشکی همواره متبع امید های فراوان برای مبارزه با بیماری های سخت بوده است. ولی اخیراً ثابت شده است که این رشته حیات بخش که در اختیار امپریالیسم است راه را به سوی سلاح های بیولوژیکی جدید و وحشت آفرین باز می کند. شورای پزشکی انگلیس، در فراخوانی برای اقدام فوری، به دانشمندان و محققان هشدار داده است که هشیار بوده و از اینکه نتایج تحقیقات علمی آنان به چنگ گروه های نژاد پرست و تروریست هایی که قصدشان استفاده از دستاورد های علمی در جهت نیات جنایتکارانه است، بر حذر باشند. بر طبق گزارش منابع علمی، پیشرفت های ژنتیکی این امکان را به وجود آورده است که سلاح هایی طرح ریزی شود تا فقط گروه های نژادی خاصی از مردم را از بین ببرد.

اروپای شرقی، و این که رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی، قبل از سقوط، به سلاح های بیولوژیک دسترسی داشته است، وجود دارد. ما خواستار افزایش کنترل ها نیستیم، ولی می خواهیم که کنترل آنها را به طور قابل توجهی تقویت کنیم.» سخنگوی وزارت خارجه انگلیس متذکر شد که، نمی توان کتمان کرد که کمیسیون بین المللی کنترل سلاح های بیولوژیکی هیچ قدرتی ندارد، و ۱۴۱ کشور عضو کمیسیون تا کنون دستور بررسی هیچ موردی را نداده اند. به گفته این مقام انگلیسی، این امر با عملکرد کمیسیون کنترل سلاح های شیمیایی، کاملاً در تباین است. انگلستان در حال حاضر مانع اصلی در مقابل تلاش بین المللی برای تقویت پیمان ۱۹۷۲ می باشد.

سلاح های بیولوژیک در گذشته بعضاً به دلیل فقدان روشی برای تشخیص بین انسان ها و عدم تمایز بین «دوست» و «دشمن» به طور گسترده استفاده نشده است، ولی پیشرفت بیو تکنولوژی به طور اتفاقی این «مشکل» را از میان برداشته است. دانشمندان در شرف پیشرفت بزرگی برای تشخیص کد ژنتیکی انسان اند، یعنی بخش بسیار بفرنجی از مراحل تشخیص وجه تمایز گروه های بخصوص که توضیح می دهد چرا مثلاً مردم یک گروه نژادی بخصوص، از آنمی سلول های داسی شکل رنج می برند. شورای پزشکی انگلستان در گزارشی زیر نام «بیوتکنولوژی، تسلیحات و بشریت» هشدار داد که ممکن است این دستاورد علمی در جهت توسعه سلاح هایی که موجودیت نوع بشر را تهدید می کند، به کار گرفته شود و این امکان وجود دارد که پیشرفت بیو تکنولوژی بتواند باعث انحراف طبیعت انسان دوستانه علم بیو مدیکال شود.

جنبه ترسناک تر مسئله این است که، دست اندر کاران علم پزشکی خواسته یا نا خواسته، برای توسعه سلاح های بالقوه جدید کمک کنند. شورای پزشکی انگلیس در مورد این امکان بالقوه برای استفاده های شوم از دانش بیو مدیکال، و مسئولیتی که این احتمال بر دوش آن دسته از دانشمندان و پزشکان که می خواهند وجدان کاری خود را حفظ کنند، می گذارد، نگرانی خود را ابراز کرده است. بر اساس نتایج تحقیقات انجام شده در آزمایشگاه های علمی، این امکان وجود دارد که بمب های مخصوص در بردارنده مثلاً گاز سمی ویا طاعون طوری طرح ریزی شود که ویروس فقط در مواقعی فعال شود که ژن های گروه بخصوصی را در شخص (نشانه عضویت در گروه نژادی بخصوص) تشخیص دهد.

در دهه اخیر جهان بدفعات شاهد بوده است که چگونه جنگ بر سر مواضع استراتژیک ژئوپولیتیک و در جهت استقرار نفوذ امپریالیستی به شکل درگیری های قومی و جنگ بین گروه های نژادی تظاهر یافته است. کوشش نیرو های شوونیست حاکم در عراق، ترکیه و ایران برای نفی وجود اقلیت نژادی کرد در کشورهایشان و فاجعه درگیری میان نیرو های «توتسی» و «هوتو» در آفریقا، امکان بالقوه استفاده از سلاح های بیولوژیک و شیمیایی را قویاً مطرح می کند. در سال ۱۹۹۵ فرقه مذهبی «شین ری کیو» از گاز اعصاب سارین در تونل های زیرزمینی توکیو استفاده کرد. شواهدی در دست است که این فرقه روی گاز سمی به مثابه یک سلاح کشتار جمعی تحقیقاتی داشته و علاقمند به مهندسی ژنتیک بوده است.

ویوان ناتانسون، رئیس مرکز تحقیقات بهداشتی در «شورای پزشکی انگلیس» گفت که، وضعیت بسیار حساس است: «این مهم است که تأکید کنیم که ما در مورد تکنولوژی و اطلاعاتی صحبت می کنیم که می تواند همین حالا و در سال های آینده مورد استفاده قرار گیرد. ما اکنون و قبل از اینکه این سلاح ها به طور واقعی تولید شود، فرصت داریم که در این رابطه اقدامی کنیم.»

پزشکان «شورای پزشکی انگلیس» که گزارش خود را به رایین کوک، وزیر امور خارجه، فرستاده اند، خواستار تحکیم و تقویت پیمان سلاح های سمی و بیولوژیکال شده اند که در سال ۱۹۷۲ به تصویب رسید ولی بدفعات توسط کشور های قدرتمند نقض شده. بر اساس مدارک موجود، در دهه گذشته تحقیقات موفقی در مورد امکان استفاده از ویروس بیماری آبله، که به طور کامل ریشه کن شده است، انجام شده است.

پروفسور مالکوم داندو، از بخش تحقیقات صلح در دانشگاه براد فورد، گفت: «این مسئله بی نظری و فرضی نیست. در حال حاضر مدارکی پیرامون برنامه ریزی سلاح های بیولوژیک در عراق، برنامه ریزی گسترده تولید سلاح های بیولوژیکال در

نژاد پرستان آفریقای جنوبی در خط مقدم!

رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی، محیطی مناسب برای پیشبرد تحقیقات ژنتیکی با هدف توسعه تسلیحاتی آماده کرده بود.

در آفریقای جنوبی حتی کمیسیون حقیقت دزموند توتو، که وظیفه بررسی و افشای جنایات رژیم نژاد پرست را به عهده داشت، بدلیل سری قلمداد شدن بسیاری از ساختار های تحقیقاتی که ارتباط با محافل نظامی و قدرتمند عمل می کنند، پیرامون برنامه ریزی برای توسعه سلاح های شیمیایی و بیولوژیکی توانست موفقیت چندانی داشته باشد. حقیقت اینست که رژیم آپارتاید، بر پایه برخورد نژاد پرستانه خود با جمعیت سیاه پوست که از حقوق انسانی محروم بود، و همچنین به دلیل وجود حداقل کنترل ها بر عملکرد ساختار های تحت کنترل و نزدیک به محافل پر قدرت نظامی و امنیتی، محیط مناسبی را برای چنین تحقیقاتی به وجود آورده بود.

اکنون مشخص شده است که در اوج جنگ بر ضد آزادی خواهان کنگره ملی آفریقای جنوبی، سرمایه گذاری های سنگین کمپانی های بین المللی داروسازی در این عرصه از تحقیقات ژنتیکی، توجه سرویس های امنیتی و والتر باسون، متخصص قلب (کاردیولوژیست)، را جلب کرده بود. در مرحله بعد علاقه برزیدنت پی دلبیو بوت و سران ارتش به «مواهبی» که از قبل دستاورد های چنین تحقیقاتی حاصل می شود جلب گردید.

زیر نظر دکتر باسون، تحقیق در مورد پیشرفته ترین سلاح ها در برنامه آزمایشگاه «روده پلات» مورد توجه قرار گرفت. از موفق ترین نتایج تحقیقات دکتر باسون باکتری هایی بود که فقط بر روی سیاهپوستان اثر می کردند و نیز گاز کنترل کننده آشوب که با استفاده از «هالوسیانوزن» های حاوی ماری جوانا سیاهان

ادامه در صفحه ۲

کمک های مالی رسیده

دوستاناران حزب از نیویورک به مناسبت اول ماه مه ۵۰۰ دلار
 آ.آ. از آلمان ۱۰۰۰ مارک
 زویا از ایران ۵۰ مارک

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
 1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
 2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
NAMEH MARDOM-NO:562
 Central Organ of the Tudeh Party of Iran
<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

19th July 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

نام
 شماره حساب
 کد بانک
 بانک
 IRAN e. V.
 790020580
 10050000
 Berliner Sparkasse



بررسی
رویدادهای
ایران

وفاق جناح ها در کور کردن چشم فتنه

روزنامه قدس، پس از تظاهرات اعتراضی دانشجویان در تهران و دیگر شهرستان ها، و سرکوب آن به دستور ولی فقیه رژیم و سکوت «اصلاح طلبان» در این مورد، به دلیل اینکه انتظار چنین کوبندگی بی راز طرف دانشجویان نداشتند، ضمن هشدار به مسئولان «امنیتی» می نویسد: «آنها نباید از احتمال تحركات «خسونت طلبان» برای تکرار حوادث «تلخ» هفته گذشته غفلت کنند. تردیدی نیست که دشمنان قسم خورده این ملت، که از حضور بی نظیر «مردم» فهیم و هوشمند کشورمان در مراسم عظیم همبستگی ملی سیلی خورده اند و بشدت عصبانی هستند در صد دوازده سازی قوا «بهانه آفرینی» دیگری هستند که به هر صورت ممکن دوباره به «تشنج آفرینی» بپردازند. در چنین موقعیتی، ساده اندیشی خواهد بود اگر دشمن زخم خورده رابه حال خود واگذاریم و از تمقیب عقبه او غفلت ورزیم.» قدس در ادامه، با اشاره به برخوردهای جناحی برای کسب قدرت می افزاید: «دوم پرهیز جدی از جناحی کردن ماجرا و تحلیل آن است. نه فاجعه کوی دانشگاه می تواند به جناح خاصی منتسب شود و نه «آشوب آفرینی برنامه ریزی شده» تهران می تواند دامن جناح خاص دیگری را بگیرد. خط تبلیغاتی رسانه های بیگانه جناحی کردن قضیه را دنبال می کند. آنها مرتباً بر این بوق می دمند که القا کنند که دو جناح قدرتمند درون حاکمیت به متهم کردن یکدیگر پرداخته اند. این در شرایطی است که پس از شعله ور شدن «فتنه آشوب طلبان»، همه نیروها و جناحها در کور کردن چشم «فتنه» به وفاق دست یافتند و بر مقابله با «خسونت گرایان» تاکید ورزیدند.»

راه چاره برای موقیت
بحران زای کنونی

روزنامه صبح امروز، یکی از روزنامه های طرفدار خاتمی، با اشاره به سخنان طاهری خرم آبادی در نماز جمعه تهران نوشت: «امام جمعه دیروز تهران با لحنی آرام و سنجیده واز سردسوزی برای «امنیت مردم و کشور» به بررسی حوادث هفته گذشته پرداخت. امام جمعه تهران مهمترین درس وقایع اخیر را برجسته شدن واقعیت فقدان توافق در میان جناح ها و نیروهای سیاسی بر سر حدود و منازعه سیاسی دانست

ادامه در صفحه بعد

گزیده ها

«... سرنوشت تحولات آینده ایران را توده های محروم رقم خواهند زد. در تحلیل نهایی، تحقق آزادی و عدالت اجتماعی مستقیماً به خواست و توان جنبش مردمی، که مستقل از حاکمیت جمهوری اسلامی به مبارزه خود ادامه می دهد، بستگی دارد. سطح سازمان یافتگی، اتحاد و انسجام این جنبش و نیروهای مترقی و آزادی خواه درون این جنبش است که می تواند در صورت عملکرد درست، راه را برای تحولات سرنوشت ساز آینده در ایران باز کند. ... از مبارزه برای دریافت دستمزدهای پرداخت نشده کارگران، تا نبرد برای یافتن آمران اصلی جنایات وحشیانه بر ضد دگراندیشان، از انتخابات شوراهای شهر و روستا تا برخوردهای بین دانشجویان و چماق داران حزب الله و انصار حزب الله، همگی، بخشی از یک مبارزه واحد برای ایجاد تغییرات بنیادین و اساسی در میهن ماست. حزب ما اعتقاد دارد که چنین تحولاتی با ادامه رژیم «ولایت فقیه» امکان پذیر نیست. در کنار این اعتقاد، ما همچنین می دانیم که تا هنگامی که برای این نظریه نیروی مادی کافی در جامعه پدید نیامده است، و جنبش وسیع توده ای با شعارهای مشخص و با سازماندهی مشخص پدید نیامده است، نمی توان انتظار تغییر و تحول جدی و بنیادین در جامعه داشت. ... باید همراه با توده ها و در کنار توده ها رزمید، و در عین حال، تلاش کرد تا جنبش را با شعارهای دقیق مبارزاتی، رادیکالیزه کرد. ...»

از قطعنامه بلنوم وسیع کمیته مرکزی، بهمن ۱۳۷۷



ارکان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۵۶۲، دوره هشتم
سال شانزدهم، ۵ مرداد ۱۳۷۸

سرکوب خونین، دستگیری های وسیع، شکنجه،
شوهای تلویزیونی و وفاق جناح ها

خونین، شکنجه های وحشیانه، اعترافات تلویزیونی، و سپس نابودی جمعی دگراندیشان، از جمله ویژگی هایی است که رژیم «ولایت فقیه» با اتکا، به آنها توانسته است بیست سال بر میهن ما حاکم باشد. این سناریو آن قدر برای مردم ما آشنا است که تکرار آن در اوضاع کنونی نه تنها هیچ کس را فریب نخواهد داد، بلکه بر تنفر و انزجار مردم از رژیم ضد مردمی خواهد افزود. نکته جالب دیگر اینکه، در حالی که وزارت اطلاعات با انتشار پنج بیانیه، اطلاعات وسیعی از «توطئه» نیروهای «ضد نظام» منتشر کرده است و اسامی افراد گوناگونی را به عنوان عوامل این جریان انتشار داده است، تاکنون هیچ اطلاعی درباره «تحقیقات» خود درباره پورش وحشیانه مزدوران «ولی فقیه» به خوابگاه دانشگاه تهران انتشار نداده است، و تنها این قول داده شده است که، پس از بررسی کامل نتایج آن به مردم گزارش شود. و لابد باید انتظار داشت که پس از هفت، هشت ماه بررسی طولانی و «پیچیده» و یافتن سرخ های ارتباطی این ماجرا «به صیونیسیم بین المللی» و دیگران، چند نفر از عوامل امنیتی که در این امر مقصر بودند مفقود الاثر بشوند و عامل اصلی هم «خودکشی» کند و مساله با خوبی و خوشی و به نفع منافع «اسلام و نظام» خاتمه یابد. و البته در این فاصله، صداها دانشجوی و مبارز راه آزادی در شکنجه گاه های رژیم زیر شکنجه قرار می گیرند، «تمزیر»! می شوند و شماری از آنان نیز به جرم به آشوب کشیدن مملکت، و نیز برای زهر چشم گرفتن از دیگران، به جوخه های اعدام سپرده می شوند.

اگر در روزهای اول پس از پورش سرکوبگرانه رژیم، تلاش آگاهانه ای صورت می گرفت تا به این برداشت دامن زده شود که گویا به دلیل «تند روی» های جنبش دانشجویی نهضت شکست خورده است، با روشن شدن حقایق، از جمله تدارک وسیع نیروهای سرکوبگر از قبل، برای پورش به جنبش و زمینه

پورش گسترده ارتجاع حاکم برای سرکوب جنبش آزادی خواهانه مردم میهن ما، هر روز ابعاد تازه ای به خود می گیرد. در پی دستگیری نزدیک به ۱۵۰۰ نفر از دانشجویان مبارز، شخصیت های سیاسی - اجتماعی و فعالان جنبش، وزارت اطلاعات رژیم «ولایت فقیه»، یعنی یاران سعید اسلامی، با انتشار بیانیه های گوناگونی از برنامه های گسترده، برای سرکوب خشن و قاطع جنبش مردمی پرده برداشت. در این اطلاعیه ها که آخرین شماره آن در روز دوشنبه، ۴ مردادماه انتشار یافت، وزارت اطلاعات رژیم اعلام کرده است که، از توطئه وسیعی برای به «آشوب کشیدن» مملکت و «ضربه زدن به نظام» پرده برداشته است. بر اساس این سناریو از پیش ساخته شده، نیروهای ملی گرا، در کنار نیروهای «منافق و مارکسیست و کمونیست»، با حمایت «امپریالیسم و صهیونیسم» در صفوف جنبش دانشجویی و برخی تشکل های آن رخنه کرده، و در روزهای گوناگون اعتراض های دانشجویی، قصد به «آشوب کشیدن» ایران و «نا امن» کردن مملکت را داشتند. و البته برای اثبات این سناریو مسخره و مضحک، شوهای تلویزیونی گوناگون، فیلم های تلویزیونی از برنامه های «ضد انقلابی در خارج از کشور» و مدارک به دست آمده از جمله «دستگاه فاکس هدایی ضد انقلاب» و ... تدارک دیده شده است که به تدریج به رویت عموم خواهد رسید. با انتشار هر بیانیه تازه ای از سوی وزارت اطلاعات، بخشی از جنبش آزادی خواهانه مردم ما مورد پورش واقع شده، و برای سرکوب آن پرونده سازی می شود.

عملکرد این چنینی وزارت اطلاعات و سایر ارگان های سرکوب گر رژیم، برای مردم ما اصلاً تازگی ندارد. سرکوب

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه رویدادهای ایران

از جناح ها خواست با هم مذاکره کنند تا توافقی بر سر «خطوط قرمز» منازعه سیاسی حاصل گردد. این خواست عاقلانه ای است. خاصه آنکه وقایع اخیر نشان داد بحران سازی و تشدید بحران با استفاده از نیروهای سازمان یافته باجه ابعادی می تواند گسترش یابد. «صبح امروز در ادامه، با اشاره به قتل های زنجیره ای، قانون جدید مطبوعات، انتخابات مجلس ششم و غیره معتقد است که، افکار عمومی به آنها حساس اند و برای خروج از موقعیت بحران زای کنونی دو محور باید دنبال گردد. نخست بایستی طرفین منازعه به حاکمیت قواعدی فراتر از جناحی برای حل منازعات خویش تن در دهند. قواعدی که التزام طرفین به آنها از خشن شدن منازعات سیاسی جلوگیری کند. در گام بعدی برای خروج از موقعیت بحران زابایستی گفت و گویی مستقیم میان تمامی جریانهای سیاسی موجود کشور را سامان داد. شفاف شدن مطالبات طرفین به نگرانی از اقدامات براندازانه طرف دیگر کمک خواهد کرد.»

اشتباهات و ندانم کاری های دو جناح قدرت طلب

روزنامه جمهوری اسلامی، هراسناک از خروش توده ها بر ضد عمود خیمه «نظام» یعنی ولی فقیه، و خشمناک از «قدرت طلبی جناح ها» می نویسد: «برخی رسانه های نوظهور، این روزها در چارچوب همان «خط کشی ساده» که جامه رافقط به دو جناح تقسیم می کند، سعی دارند چنین وانمود کنند که گویا حوادث اخیر، حرکتی علیه رئیس جمهور بود. ماباید این واقعیت عینی را بپذیریم که جناحها، مردم را «سیاهی لشکر» حساب کرده اند و از فرصتی برای تسویه حساب های گروهی و جناحی، آن هم در پائین ترین سطح ممکن و در خصوص مسائل دست چپند، بهره برداری کرده اند. حال آنکه مادر واقع چوب اشتباهات و ندانم کاریهای هر دو جناح قدرت طلب را می خوریم که سعی دارند از هر دو جناح قدرت برای حذف رقیب و کسب سهم بیشتری از «کیک قدرت» سوء استفاده کنند و حتی به عواقب سیاسی این جنگ قدرت هم نمی اندیشند. متأسفانه «گروههای سیاسی» امتحان بدی را پس دادند و شواهد و قرائن نشان می دهد که ظاهراً هنوز از گذشته عبرت نگرفته اند و درس های لازم را نیاموخته اند. رئیس جمهور، متعلق به «نظام» است و به یک جناح تعلق ندارد و مربوط به مجموعه نیروها در زیر خیمه انقلاب است و به همین دلیل هر کس که با کینه و خصومت شخصی و یا هر دلیل وانگیزه دیگری سعی در ایجاد جنگ چیدری - منعمی دارد، قبل از هر چیز دشمن کلیت نظام است.»

نشست های سیاسی مقام های بالای مملکتی

روزنامه نشاط، طی گزارشی خیر از مذاکرات جناح های درون حکومتی بعد از تظاهرات ضد ولایت فقیه دانشجویان داده، می نویسد: «با گذشت حدود ۱۰ روز از ماجرای حمله به کوی دانشگاه تهران، علانی به چشم می خورد که از برخورد «عقلانی» مجموعه حاکمیت و دولت و گروههای مختلف سیاسی باین حادثه و «ریشه های» آن حکایت می کند. خبرنگار خصوصی نشاط گزارش می دهد که در کنار رسیدگی های «امنیتی» به حادثه حمله به کوی

دانشگاه، نشست های سیاسی در سطوح بالای مملکتی و در درون حاکمیت و دولت و خارج از آن شروع شده است. از جمله این که گزارش می شود که ناطق نوری رئیس مجلس بامهدی کروبی رئیس مجمع روحانیون مبارز دیدار و مذاکره داشته است. از محتوای این مذاکرات خبری در دست نیست، اما خبرنگار خصوصی نشاط می گوید: می توان حدس زد که گفت و گو و ادامه ریزنی های سیاسی میان دو بدنه اجتماعی و سیاسی کشور محور این دیدارهاست. روند عقلانی دیدارها و مذاکرات سیاسی میان مقامات برجسته کشور و رهبران سیاسی جناح ها شروع شده است که می تواند برای آینده کشور بسیار سودمند باشد. از سوی دیگر قرار است طی چند روز آینده دیدارهایی از این دست و در سطوح بالاتر افزایش یابد.»

هراس از تضعیف ولایت فقیه

محمد نیازی، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح گفت که، مشروعیت ولایت از جانب خدا و مقبولیت آن از سوی «مردم» است. وی در ادامه گفت که، «مردم» از این جهت از ولی فقیه حمایت می کنند که او را از جانب خدای دانند. وی اظهار داشت که، «دشمنان» انقلاب و «اوباش» می خواهند این پایگاه «مردمی» را تضعیف کنند، زیرا می دانند تا زمانی که سایه ولایت فقیه بر سر کشور است، جایی برای آنها وجود ندارد. به گفته وی، اگر «مردم» در صحنه نباشند خطر بزرگی کشور را تهدید می کند و حکومت بدون حمایت «مردم» نمی تواند به مسیر خود ادامه دهد. وی با اشاره به تظاهرات شکوهمند دانشجویان بر ضد ولایت فقیه گفت که، این حوادث از یک طرف بسیار تاسف انگیز و هشدار دهنده و از سوی دیگر «آموخته» بود. نیازی افزود: «حزب الله ثابت کرد اگر در صحنه باشد چه خواهد کرد.» وی در مورد حمله نیروهای سرکوبگر انتظامی تحت امر ولی فقیه گفت که، این «اشتباه» و «تخلف» بخشی از نیروی انتظامی نباید موجب شود تا بر ضد کل این نیرو تهاجم شود.

رفسنجانی، مسئله ولایت فقیه و خطرات جناح بندی ها

هاشمی رفسنجانی، در نماز جمعه این هفته تهران، با اشاره به خیزش اخیر دانشجویان گفت: «یکی از تلخی های این حادثه، شکست حرمت و قداست مقام معظم رهبری و ولایت بود که چنین حرکتی در پیش از انقلاب و در رژیم طاغوت هم رخ نداده بود.» وی اظهار داشت: «به هرحال این قضیه تلخ به عنوان لکه ننگینی در تاریخ و انقلاب مایه ثبت رسید و یک اثر تلخی در ذائقه مردم گذاشت.» وی بابیان این مطلب که به گفته دوست و دشمن، ولایت فقیه به عنوان «لنگر کشور» است، تاکید کرد: «همین اسلامی بودن و ولی فقیه بودن رهبر است که مردم به آنجا پناه می برند.» وی از همه طرف های درگیر درخواست کرد که اظهار نظری در مورد مسائل اخیر نکنند تا کمیت بی که از سوی شورای عالی امنیت ملی انتخاب شده بتواند گزارش کار را ارائه کند. وی خطاب به جناح های سیاسی گفت: «اگر ما انقلاب و کشور را صل قرار دهیم و جناح و باند را در درجه دوم، هرگز این اتفاق هانمی افتد.» رفسنجانی ادامه داد: «اگر جناح هاباندند که این حرکت ها به مقدسات کشور لطمه وارد می کند، دست به این کارها نمی زنند.» وی خاطر نشان کرد: «انقلاب، بر اساس شهادت و ایثار ایثارگران کشور بنا شده و باند بازی و جناح بندی اگر بخواهد جای ایثار گریها را بگیرد، بسیار خطرناک است.» وی همچنین در مورد مطبوعات گفت: «آنها وظیفه دارند دوستی ها را عمق بخشیده و از ایجاد اختلاف پرهیز کنند.»

ادامه سرکوب خونین ...

سازی سرکوب، که یکی از نمود های آن را در نامه تهدید آمیز ۲۴ تن از فرماندهان سپاه به خاتمی و تهدید او به کودتای نظامی می توان مشاهده کرد، دیگر جای تردیدی نمی ماند که تصمیم حمله به جنبش از هفته ها و ماه ها قبل گرفته شده بود، و یورش خونین مأموران انتظامی به خوابگاه دانشجویان بخشی از همین نقش سرکوبگرانه بود. کشتن سمید اسلامی، برای لوٹ کردن پرونده قتل های زنجیره ای، طرح «اصلاح لایحه مطبوعات»، یورش به مطبوعات و بستن «سلام» و سپس یورش به دانشگاه، بخشی از یک توطئه واحد از سوی ارتجاع حاکم برای درهم کوبیدن جنبش بود. به قول عباس عبدی، عضو شورای سردبیری سلام، «رای هیأت منصفه سه ساله فوق العاده ای نیست چون تصمیم به تعطیلی سلام خارج از دادگاه گرفته شده است، اینها فقط به وظیفه خود عمل کرده اند... تشکیلات محافظه کار از قبل تصمیم گرفته بود سلام و دیگر نشریات طرفدار اصلاحات را تعطیل کند و فقط به یک بهانه حقوقی نیاز داشتند...» (روزنامه همشهری، سه شنبه ۵ مردادماه ۱۳۷۸).

نکته آخر اینکه سکوت خاتمی، به عنوان رئیس قوه مجریه، در مقابل عملکرد وزارت اطلاعات، که قاعدتاً زیر نظر و دستور او عمل می کند، این نظر را تقویت می کند که در صورت ادامه این روند، برنامه «توسعه سیاسی» دولت او نیز همراه با روزنامه های مدافع او به محاق تعطیل کشانده خواهد شد. تجربه یورش وحشیانه ارتجاع به جنبش دانشجویی نشان داد که جنبش مردمی بدون اتحاد عمل، بدون سازمان دهی و بدون رهبری، به خواست های خود در پایان دادن به استبداد و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی نمی تواند، دست یابد. در اوضاع و احوال کنونی مقابله با توطئه های وزارت اطلاعات و دیگر نیروهای سرکوبگر رژیم «ولایت فقیه» مهم ترین وظیفه بی است که در مقابل همه نیروهای ملی و ترقی خواه قرار دارد.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

Supplement to Nameh Mardom-NO:562

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

27 July 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse